

پیش از دوماه است که رژیم جمهوری اسلامی برای بزدلانه درآوردن خلق قهرمان کرد علاوه بر محاربان و گلوله باران شهرها و روستاها و گشتا و فرزندان دلاور خلق در گردنشان دست به مکاره گشته است. دوماه است که زور و آذوقه و بختی مومنان و سوغتی گشته است. اما خلق کرد در مقابل این جنایتها تسلیم نخواهد شد و تاریخ، سیاه دلی دشمنان خلق را برای نسلهای آینده با زگوخواهد کرد.

نخسن و راهپیمایی کارگران مبارز

پرسه پیزبون

صفحه ۳

کردستان قهرمان میرزمد!

گرامی باد یاد رفقای شهید کاک عطاء طااطی و لیلای مرادی

صفحه ۵

اگر مرداب بخشد پشه ها خود میمیرند

آیا اعدام سوداگران مرگ راه ریشه کن کردن اعتیاد است؟

صفحه ۶

گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری

همراه با تورم شدید بولی، ما هم اکنون شاهد رسیدن نسله قیمت اجناس مخصوصاً در بخش خرده فروشی هستیم. قیمت ما نخاج عمومی مثل نان، گوشت، روغن، نبات، تخم مرغ، هرزیده میکن، لیمو، مسکه و... مرتباً افاضه می شود. نرخ که تا دوماه قبل کیلویی ۱۱ تا ۱۳ تومان فروخته می داد اکنون به ۱۴ تا ۱۹ تومان رسیده است. تا مدت ها مدتی ۱۷۰۰۰ خرداد - نرخ مسکه و سره پار نسبت به سال پیش حداقل دوبرابر شده است. مثلاً

بقيه در صفحه ۱۳

سخنان اخیر آیت اله خمینی: سرآغاز یورشنی دیگر به نیروهای انقلابی و مترقی

خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

گرامی باد یاد فرزندان شهید خلق رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری و رفقا دکتر اسماعیل نریمسیا و

هنوچهر جعفری!

صفحه ۴

سراخام آیت الله خمینی موضع خود روزه جمهوری اسلامی را در قبال نیروهای انقلابی و مترقی و بخصوص محاربان خلق با صراحت کامل روشن کرد. قبل از این ما همواره تا حد موضوع کبرهای خصمانه آیت الله علیه نیروهای جب بوده ایم، اما در مورد محاربان تا بحال این چنین صریح برخورد نکرده بودیم. این نتیجه اجتنابنا بدیرواج گیری ما روزه بوده است. حدت ما روزه طبقاتی و عجز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فرا بنده ها مع ما است. اعلام صریح این مواضع یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلابی سازش - تا بدیروکلید کارگران و زحمکنان است. همچنانکه

بقيه در صفحه ۲

سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت)

و نقی روزه یونیستی مشی چریکی

"بله به بله سقوط انجام می گرفت. اسارها و متونیکها که یک تاریخ را به اسباب سازنگاری سا بورژوازی بای کدا شده بودند، لاجرم آنقدر در این سراسیم در غلطیدند تا به قهر آن سقوط نمودند"

(لنین: در سهای انقلاب)

سرمبارزه طبقاتی و تحولات اجتماعی نمیوانست بر نیروهای سیاسی جامعه ما تا شریکری برجا نگذارد و مستکبری های طبقاتی آنان را منحصر نکرده سازد. تندبا دا انقلاب در صف نیروها جا خا شتی هشتای جدیدی بوجود آورد. و در عین حال مرز بندی هسا را دقیق تر و عمیق تر کرد و جوهر حقیقی و طبقاتی سیاسی است و کردار رهبری سیاسی را منحصر نر نمود.

سازمان چریکهای فدائی از این تحولات سیاسی - طبقاتی برکنار نماند. ما روزه طبقاتی صف بندی درون سازمان را منحصر نکرده و با لاجرم کف سیاسی را به شکاف تکنیکالی گسترش بخشید. بنحوی که بخشی از سازمان چریکهای فدائی بدنبال تحکیم انحراف روزه یونیستی خود، بله به بله سقوط کرد و با لاجرم به جبهه روزه یونیستها در غلطید.

بقيه در صفحه ۸



مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نقشه از صفحه ۱

سخنران...

اعلام این مواضع شکست سختی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، شکستی برای کسانی که میگویند جهت حفظ منافع خود، مریزین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازند و با اصلاح طلبی، وسط کمبر ما را گرفتند، سرخورد های رویزیونستی و فرار از مبارزه طبقاتی، جنس خلق را در دامن منافع طبقاتی خود میارکنند.

رشد روز افزون جنبش انقلابی و جنبش رهیبران جمهوری اسلامی را که با مدار منافع زمینداران سرمایه داران و دیگر اقشار مرفه جامعه و محافظ فرهنگ اربحی (ازبوع ولایت فقیه) هستند و جهت انداختن ادا منجک در کردستان، بالا گرفتن ناراضیهای عمومی و اجکی و اختلال و نفاذ های که بین جناح های حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناحی صدر) بر سر چگونگی مقابله با جنبش بوده ها و خود را در دوا لآخره رتد سریع نیرو های کمونیستی و کترین با یکا بوده های نیرو های دموکرات که مستنک بر یک محاهدین خلق در امجدیه، جلوه خیر آن بود، حزب جمهوری اسلامی و پیشینان که مل آن آیت الله خمینی را به یک جنبه بندی سرخورد بر سر جنس خلق و ادا است.

آیت الله خمینی در سخنرانی آخر هفته گذشته خود (میدرخ در روزنامه های ۵ تیر ۵۹) یکبار دیگر از جناح بسیار عفت مانده هشت جاکمه (حزب جمهوری اسلامی) سخنرانی نمود و حجاب را عمل آورد و مهم ترین سها به او مستنک را برای حملات آبی با سید جما قدران و او با شان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی در حالیکه اختلاف بین دو جناح هب جاکمه اوج گرفته و "افتتاح بزرگ" حزب جمهوری اسلامی در سوار است، به مساله سیاسی روز تبدیل گشته بود، حمایت خویش را از برتا مه های حزب اعلام کرد و لویه سرحله را متوجه نیرو های انقلابی نمود و بدین ترتیب بر "افتتاح بزرگ" موفقا بر پیوست نهاد (۱) و با بهترین گوشه نمایی اهدافی را که امثال آیت دسسال میکنند با صراحت بیشتر از آنکارا بیان کرد. البته جنبه ختی که به اختلافات درونی با جناح سنی صدر بر میگردد.

آیت الله خمینی، در سخنرانی خود، علیرغم آنچه معمولاً ادعا میشود که "زبان را نسبتاً بد جزیرا سنی گرداند"، به نیرو های انقلابی تا درست ترین تعمتها را زد و آن را به صفاتی توصیف نمود که هر کس اندکی به واقعیت اجتماعی ما آکا هبا شد، بنا درست بودن آنها را درک خواهد کرد:

او و نیرو های انقلابی را که از سالها پیش علیه رژیم خویش خوانده ما رزه کردند، سببوان "گروه های سنی که بعد از انقلاب مثل فارج رو شیدند و فلتانها تا جسی بودند" خواند،

او آنها را "مناح پیشران انقلاب"، برپا کننده غا ثله"، "خرمن سوز"، "برپا دهنده کشور"، "دروغگو (۱) - در باره افتتاح بزرگ رجوع کنید به اعلامیه سازمان ما مورخه ۳۰ خرداد و نیز سلسله مقالات "حک قدرت در بلا" شماره های ۱۰۶، ۵۹، ۶۱ پیکار.

به مردم"، "عامل امریکا"، "مهرم زنده کا رخا نه ها و کشا ورزی" و "در بافت کننده پول از خارج" نامید، او کارگران حق طلب کا رخا نه ها را که هنوز بر شلاق سرما به داران جان میکنند متهم کرد که "پول می-گیرند تا اعتماد کنند".

● آیت الله خمینی، شهدای عزیز خلق ما را که در سالیهای سیاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان در راه آزادی خلق باختند، افرادی دزد نامید!

او افرادی فدخا نه و مسکن را که دست به مصادره برخی از جا نه های سرما به داران زده و در آن سکونت کرده اند "عازر کبر" و "ار رسه همان رژیم سابق" خواند. آیت الله خمینی، تمام اقدامات سرکوبگرانه، تمام اقدامات ضد مکرانیک و جعل و تحریف های "انسخات" های سال گذشته را که کمتر کسی جز حزب جمهوری اسلامی از آن رضایت دارد و آنرا محکوم نمی کند - درست و قابل تأیید خواند؛

او نیرو های انقلابی را که با اقدامات اربحی رژیم مخالفند، در کنار افرادی فرار داد که خدمتگزار دربارتا بوده اند؛

آیت الله خمینی، شهدای عزیز خلق ما را که در سالیهای سیاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان راه آزادی خلق را حسد، افرادی دزد نامید، او گفت: "اگر یک دردی را کشند و از طایفه شما بود، آن خوب شما میشود انقلابی" (۱)

کدام توهین به خلقهای ستمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهیدان مردم، از این بزرگتر است؟! و همچنین آیت الله خمینی محاهدین خلق را "فریبکار" خواند و به قصبه ای مربوط به چندین سال پیش اشاره کرد که چون مشخصه دوست از رفقای ما و سازمان محاهدین خلق ایران که بسیاری از ما در آن زمان، در آن تشکیلات به فعالیت انقلابی مشغول بودیم مربوط می-شود، وظیفه خود میدانم که بزودی آنرا تفصیل برای کارگران و دیگر توده های زحمتکش ایران و شما سنی خلق روشن کنیم و عموماً، با درستی برخورد آیت الله را با این قصبه، نشان دهم. ■

گرامی باد چهارمین سالگرد شهادت فدائیان خلق

هشتمین ساله امسال مصادف است با چهارمین سالگرد شهادت فدائیان خلق، رفقای شهید: حمید انرف، محمد حسین حمسوار، یوسف ختنکه - بیجاری، محمد مهدی فوقانی، قاطبه حسینی، غلامرضا لایق مهربانی، طاهره، حرم، غلامعلی خراط پور، علی اکبر و تتری و محمد رضا سترسی.

خاطره نان گرامی باد!

★★★★★

کمکهای مالی دریافت شده

ک	۳۳۰۰	خ	۱۹۱۰۰	ت	۲۲۷۰۰
"	۳۷۰۰۰۰	د	۴۷۴۰۰	"	۲۶۸۱۰
"	۷۶۵۰	"	۷۳۰۰	الف	۲۶۱۰
ک	۲۹۰۰	"	۲۱۰۰	"	۴۰۰۰
ل	۴۵۵۰۰	ر	۳۱۰۰۰	"	۲۱۲۰۰
م	۱۱۲۴۰	"	۱۷۱۰۰	"	۸۰۰۰
"	۷۴۰۰	"	۱۵۳۰۰	ب	۱۴۰۰۰
"	۱۸۰۰۰	"	۸۰۰۰	"	۱۲۳۸۰
"	۲۲۰۰	ز	۴۳۰۰	پ	۳۳۰۰
م	۶۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۳۱۰۰
"	۸۳۰۰	"	۶۸۰۰	"	۱۸۱۸۱۰
"	۱۰۰۰۰	س	۲۵۰۰	"	۲۱۲۰۰
"	۴۵۰۰	"	۸۳۰۰	"	۱۱۲۲۰
ن	۹۵۰۰	"	۲۱۸۰۰	ب	۸۵۰۰
"	۶۳۰۰	س	۱۹۱۷۰	ج	۶۵۰۰
"	۶۵۰۰	ع	۵۸۲۷۰	"	۱۱۲۰۰
"	۱۰۰۰۰	ف	۶۳۰۰	ج	۹۰۰۰
"	۱۴۰۰۰	"	۱۲۱۰۰	"	۷۸۰۰
ه	۴۵۰۰	ق	۱۱۴۰۰	"	۱۶۳۰۰
"	۱۲۷۰۰	"	۱۹۳۰۰	"	۱۱۰۰۰
ی	۶۱۱۰	ک	۴۱۰۰۰	ج	۱۵۰۰۰

۱ - دو نفر از رفقای کارگر هواداران ما که در کوره، آجربری کار میکنند، طی نامه، کویا و وصیتی خود نوشته اند:

"... ما سوجه به سارهای شدید ما زمان به کمکهای مالی تمیم گرفته ایم که دستمزد روزهای بخشیده (خود ارا به ما زمان اختماس دهم".

با آرزوی پیروزی برای این رفقا، کمکهای آنها را در زیر می آوریم:

ب ۸۵۰۰
ن ۹۵۰۰

۲ - رفیق داسن آموری از کارگران طی نامه برنور خود نوشته است:

"... من یک دانش آموز... هوادار سازمان بیکارمناجم، مبلغ ناچیزی که پس انداز کرده ام براتان می فرستم... به امید روزی که نظام سرما به داری در ایران بدست توانای کارگران سزگون گردد".

با آرزوی موفقیت برای این رفیق دانش آموز کمک مالی او را در زیر درج می کنیم:

ر ۱۰۴۰۰

۳ - رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در استکهلم، مبلغ ۳۰۰۰۰ مارک کمک مالی شما دریافت کردند.

رفقای هوادار!

دوستان مبارز!

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

جنبش کارگری



تحصن و راهپیمایی کارگران مبارز پرسیزیون

بسی از سه ماه است که کارگران مبارز شرکت با ختمانی پرسیزیون در قبال کار طاقت فرمای خود هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران در این مدت با بسیاری از مشکلات متحمل شده و خواهشهای خود را مطرح کرده اند، اما جز وعده و وعده چیزی دریافت نکرده اند!

در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون که شورای مترقی است طی اعلامیه‌ای سیاستهای ضد کارگری مسئولین شرکت و مقامات دولتی را افشا کرده و ضمن اعلام راهپیمایی و تحصن در فرمانداری از مردم مبارز شهر میخواهد که از خواستهای برحق کارگران پشتیبانی کنند.

روز یکشنبه اول تیر ماه نزدیک به ۱۶۰۰ نفر از کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و عملاً به تحصن بنندگان متحصن خود می پیوستند. (بنام بنندگان کارگران از دو هفته پیش بحالت نیمه وقت در فرمانداری متحصن بودند) کارگران بلاکاردی بر سر در فرمانداری نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را نشان میداد:

- ۱ - پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و متحصن نمودن وضعیت کلی شرکت.
 - ۲ - اجرای دقیق قرارداد میان شورا و هیئت مدیره شرکت.
 - ۳ - جلب هیئت مدیره به مسجد سلیمان جهت پاسخگویی به آنها و مطالبات وارده به شورا و کارکنان در بانک دادگاه صالح.
- کارگران عمر یکشنبه با این قرار که از روز دوشنبه دوم تیر ماه تحصن تمام وقت خود را آغاز کنند به خانه های خود رفتند.

روز دوشنبه ۵۹/۴/۲

در این روز کارگران در حالیکه تعدادشان از روز قبل بیشتر بود وعده ای از زمینکنان شهر سیزده آنها پیوسته بودند در مقابل فرمانداری اجتماع کردند (حدود ۲۰۰۰ نفر)

مسئولین شرکت، دادستانی دادگاه انقلاب و فرماندار و وحش زده از اتحادیه ها و کوهنندگان کارکنان بلندگودر شهر را میزدند که ماده ۱۰۰ حقوق معوقه کارگران را بپردازند. آنها حتی برای اولین بار چند دستگاه توبیس به فرمانداری فرستادند تا با کارگران سرکار گرفته و حقوق خویش را دریافت کنند. در این میان یکی از نمایندگان کارگران به هیئت میگویند: "فرار گرفت و ضمن افشای ارتجاع محلی گفت: "چطور زندگی چندین سال کار در این شرکت کسی به ما سرویس نداد دولتی امروز ما عزیزان ما؟" وی ضمن تکذیب تا بعد برداخت حقوق گفت که اکنون کسی به

شورای فرمایشی قرقره زیبا و مخالفت کارگران با آن

بسی از سه ماه است که کارگران مبارز شرکت با ختمانی پرسیزیون در قبال کار طاقت فرمای خود هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران در این مدت با بسیاری از مشکلات متحمل شده و خواهشهای خود را مطرح کرده اند، اما جز وعده و وعده چیزی دریافت نکرده اند!

در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون که شورای مترقی است طی اعلامیه‌ای سیاستهای ضد کارگری مسئولین شرکت و مقامات دولتی را افشا کرده و ضمن اعلام راهپیمایی و تحصن در فرمانداری از مردم مبارز شهر میخواهد که از خواستهای برحق کارگران پشتیبانی کنند.

روز یکشنبه اول تیر ماه نزدیک به ۱۶۰۰ نفر از کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و عملاً به تحصن بنندگان متحصن خود می پیوستند. (بنام بنندگان کارگران از دو هفته پیش بحالت نیمه وقت در فرمانداری متحصن بودند) کارگران بلاکاردی بر سر در فرمانداری نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را نشان میداد:

- ۱ - پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و متحصن نمودن وضعیت کلی شرکت.
 - ۲ - اجرای دقیق قرارداد میان شورا و هیئت مدیره شرکت.
 - ۳ - جلب هیئت مدیره به مسجد سلیمان جهت پاسخگویی به آنها و مطالبات وارده به شورا و کارکنان در بانک دادگاه صالح.
- کارگران عمر یکشنبه با این قرار که از روز دوشنبه دوم تیر ماه تحصن تمام وقت خود را آغاز کنند به خانه های خود رفتند.

گرامی باد سالروز

اعتصاب خونین کارگران مبارز کارخانه نساجی قائمشهر

در سالهای سابقه فغان، در سالهای گدازم خونخوار و ربهلوی هرگونه مادی حق طلبانه‌های را سرکوب میکرد. در سالهای که ادعا مستطیع کارگر ایران هموزیدار شده و آمادگی برای مبارزه ندارد کارگران ایران اگر چه بدون تنگنات ساسی و آگاهی لازم، اما بطور پراکنده و غیر سازماندهی کارخانه‌ها، اعتصاب و مبارزه میکردند، گشته می دادند و زندانی و شکنجه میشدند. این مبارزات بپراکنده که در کوششهای مختلف کشور سر بر می کشید، بدون آنکه بسوا بدر سطح گسترده ای انعکاس یابد و سوده‌های وسیعی را بسج نماید، بحال طرداش آگاهی، سازماندهی و تنگنات سرکوب میداد.

سازمان مبارزات کارگری سالهای گذشته ایران نمونه‌های فراوانی از این دست را نشان میدهد که از آن جمله میتوان به اعتصاب حوسن ۹ سرکار کارکنان نساجی قائمشهر اشاره کرد.

در سه ماه سال ۱۳۵۴ کارگران مبارز نساجی قائمشهر، بعنوان اعتراض به عدم پرداخت ساسی سوت ویژه سالانه دست به اعتصاب زدند. "عالمزاده" مدیر کارخانه ابتدا کوششها با وعده و وعده کارکنان را از ادامه اعتصاب منصرف نماد، اما کارکنان فرست او را خورده و به اعتصاب خود ادامه دادند. "عالمزاده" رئیس بهره‌براری وقت برای سرکوب کارکنان باری می طلبید در نتیجه ما موران بلس با ساسون به کارکنان حمله کردند و کارکنان با سنگ به حمله آنها پاسخ گفتند.

نصفه در صفحه ۱۴



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



رئیس شهید منوچهر جعفری



رئیس پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری

خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

کرامی باد یاد فرزندان شهید خلق رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری ورفقا دکتر اسماعیل نریمیسا و منوچهر جعفری

بار دیگر خاک مشرق جمهوری اسلامی در آواز ۲ تن دیگر از فرزندان مبارز خلق را به جوخا عدا میبرد، و بدین ترتیب بزرگ ساه دیگری بر صفحات ارتجاع حاکم افزون گشت. رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری ۲۵ ساله متولدا هواز و از مسئولین تشکیلاتی دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در آواز و دکتر اسماعیل نریمی سا ۳۶ ساله بزرگ یکی از مبارزان ستانهای هواز و مبارزان با نفوذ منوچهر جعفری ۴۳ ساله محرک جمعیت ۵۹/۴/۶ خون با کشتن بدست جلادان خلق بر زمین ریخت و بدین ترتیب ۲ ستاره سرخ دیگر بر آئین شهیدای خلق که در روز ۲۲ جمهوری اسلامی و بدست حکام شرع و ارتش ضد خلقی و با سداران سرما به بشهادت رسیده اند اما فکشت.

این دو شهید که پس از دستگیری همچون دیگر مبارزان کمونیست و غیر کمونیست تحت فشارهای جسمی و روانی شدید قرار داشتند به اتهام شرکت در حوادث دانشگاه جندی شاپور هواز که در آن عده زیادی از فرزندان خلق بدست سداران و فاعلانهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی بشهادت رسیده اند، دستگیر شده بودند. اما برای مرتجعین که بدین خون کمونیست ها و دیگر مبارزین هیتند که در راه پیروزی زحمت کشان در تلاشند ریختن خون دهها تن از جوانان ما در حوادث دانشگاه هکافی نبود ما مورث ادا به منوطه دانشگاه بدست حکام شرع سپرده شد تا با بهترین فرزندان خلق، دانشجویان و روسفکران انقلابی و کارگران را به جوخا عدا منبیارند.

مبارزان مبارز! کارگران! زحمتکشان!
اعدام پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری و دکتر اسماعیل نریمی سا به "جرم" شرکت در حوادث دانشگاه زمانی صورت میگیرد که افتخار بزرگ حزب جمهوری اسلامی در نوا آیت بر ملا نهاده و کاملاً معلوم گشته است که چگونه این مرتجعین توطئه کشتار دانشجویان انقلابی و مبارزان و تعطیلی دانشگاه را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" را از قلم تدارک دیده بودند.

اعدام این فرزندان خلق زمانی صورت میگیرد که جناح بنی صدر که نوار "آیت" را منتشر ساخته است و خود مسبب اصلی حوادث دانشگاهها را می نماند

توطئه "آیت" و حزب را علیه بنی صدر با آب و تاب بیان می کنند اما هرگز از توطئه علیه دانشجویان مبارز و انقلابی سخنی نمی گویند. هرگز به عدا مد دانشجویانی که در حوادث دانشگاهها و با پس از آن دستگیر و به جوخا های اعدا سپرده میشوند اعتراضی نمی نماید. آری، آنها نمی بدهم غیر این عمل کنند زیرا که در سرکوب کمونیستها و نیروهای آگاه با حزب جمهوری اسلامی

زندگینامه پیکارگر شهید رفیق مهدی علوی شوشتری

- مهدی علوی شوشتری
- متولد سال ۱۳۲۲
- دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه هواز
- از سن ۱۶ سالگی شروع به مبارزه علیه رژیم شاه کرد
- در دوره دبیرستان بحرم بخش اعلامیه ۴۵ روز در دارالمنادب بسربرد (بعزت کمی سن).
- سال ۵۳ - ۵۲ بعد یکسال بحرم فعالیت سیاسی در زندان رژیم شاه بود.
- در سال ۵۳ دوباره بحرم فعالیت مبارزاتی دستگیر و پس از شکنجه های فراوان به مدت ۳/۵ سال زندان محکوم شد.
- سال ۵۶ از زندان آزاد و در حبس عظیم خلق شرکت کرد.
- سال ۵۸ به عضویت تشکیلات دانشجویان هوادار سازمان درآمد.
- سال ۵۸ فعالیت به کمک سیزدهگان خوب شناخت.
- در یکی از محلات کارگری هواز کتاخانه ای تاسیس کرد که ۲۵ عضو داشت.
- در اردیبهشت ماه ۵۹ در جریان حوادث دانشگاه دستگیر شد.
- در محرک جمعیت نریمسا ۵۹ به جرم وفاداری به زحمتکشان اعدام گردید.

★ ★ ★
رفیق مهدی در سال ۱۳۲۲ متولد شد. در دبیرستان بود که با مارکسیسم-لنینیسم آشنا شد و از همان زمان یعنی سالهای ۴۸-۴۹ مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی بنوعیه در صفحه ۱۴

همداستانند. و اما آیا با توجه به این همه توطئه ها، حاکمین شرع که دست رژیم جمهوری اسلامی در کشتار کمونیستها در بیاد نگاها ی "عدل" اسلامی محبوب میشوند می توانند بر قضا ی خود سربلش نهند؟ چه کسی مسبب ریخته شدن خون جوانهای مبارز و دانشگاہها شد؟ حزب جمهوری اسلامی و تشکیلاتها و مغز سفکران آن آیت یا دکتر نریمی ساها که بداند دانشگاهها بلکه از مبارزانی که در آن کنار میگردند دستگیر شده است و با شوشتری ها که حداکثر در سکر دانشگاه از خود در برابر حمله و با شان دفاع نموده است؟

حکام شرع که اینچنین بی مهابا خون کمونیستها و مبارزین سیاسی را بر زمین می ریزند آیا میتوانند با اعلام اسامی آنها بعنوان "مفسدین الارض" و در کشتار متهمین به فساد و فحشا و غیره که در نهایت خود قربانیان سیستمی هستند که امروز جمهوری اسلامی مدافع آنست بر جانها ی خود سربلش نهند؟ آیا شما خیال میکنید با فرار دادن اسررفقای دلاور و سیاسی ما در کشتار فاجاقجیان و فاخته ها خواهد توانست برای همیشه زدا می که بدست خود برای خود درست می کنید بدهد؟ آیا خلق ما اسفام خون فرزندان خود را از رژیم شاه بگرفت؟ - هر چند که شما در شماره آتان را متوقف ساختند - اگر راست می گوئید چرا فرزندان آگاه خلق را که در ضمن بازداشت حتی اجازه ملاقات با خانواده به آنها نمی دهید در دادگاههای علمی مخاکمه نمی کنید؟ چرا از حضور وکیل و هیئت منصفه که دستگیران را با اقتاده ترین حق و حقوق یک مبارز سیاسی است در هراسد؟ ما بدین وسیله تجار خود را از اعدا رفیق پیکارگر - کر شهید مهدی علوی شوشتری و شهید دکتر اسماعیل نریمی سا و رفیق شهید منوچهر جعفری اعلام میکنم و از کلیه نیروهای مسرفی و انقلابی خواهانیم که با یک اعتراض خود را علیه این قضا بسپارند و ما را از اعمال حاکمین شرع که بدستور هیئت حاکمه و سراجنی آب خوردن فرزندان کمونیست و مبارز خلق را به جوخا عدا میسپارند بگردند! کرامی ما بدید شهیدای بخون خفته خلق دست خون آلود جلادان از گلولی فرزندان خلق کوتاه!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۴/۸
اعلامیه شماره ۸۸

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

خلقها ومسئله ملی



کردستان قهرمان میبزمند

هما نظور که درتها جم مردا دما گذشته به کردستان
رژیم جمهوری اسلامی با شکست مواجه شد، این بار نیز
علیرغم تصرف چند شهر، نتوانسته و نخواهد توانست بر
با صلاح "حاکمیت جمهوری اسلامی" در کردستان جا
عمل بیوشاند. چرا که با هر روز، شاهدان شکل مختلفی
از مبارزات خلق کرد، برای رهایی از قیدستم ملی و
طبقا شی هستیم. از نظرها و اعتراضات و اعتراضات
عمومی گرفته تا حملات قهرمانانه پیشمرگان انقلابی
به ارتش و پاسداران و جاساها، همه و همه بسیار روحیه
شگرفی از مقاومت و تسخیرناپذیری خلق کرد هستند، همان
روحیه ای که رژیم را به تلاشی بیخود و بی نتیجه میبست
تهدید و فریب و ادراست.

شی قاره مان شیره پیاوران

ناوی تویه بوته سرودی لاوان

جاودان باد یاد پیشمرگه قهرمان کاک عطاء طاطائی

هفته پیش خلق کردیکی دیگر از پیشمرگان
رزمنده و جانبا ز خود را از دست داد. پیشمرگه انقلابی و
بیکار زگر شهید رفیق "عطاء الله طاطائی" در راه رهایی
خلق کرد از قیدستم ملی و طبقا شی عاشقانه جان باخت
و بدین ترتیب شهیدی دیگر بر خیل شهدای پیشما خلق
کردا فزوده شد. یادش گرامی و راهش با یادا!

کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه -
ای منتشر کرده که قسمتها شی از آنرا در اینجا مآوریم:
خلق مبارز کرد!

در شرایطی که مقاومت و مبارزه انقلابی مردم
شعله و رتر می شود انقلابیون خستگی نا پذیرند و م خط
خونین انقلاب را برای پیوستن به دریای آزادی
توده ها تضمین می نمایند. کاک عطاء طاطائی یکی از
همین قهرمانان بوده که کل زندگی اش در عصفوان
جوانی بدست دژخیمان برپر شد.

کاک عطاء سال ۱۳۴۰ در یک خانواده متوسط در
شهر سقز دنیا آمد. او در دوران ۵۷-۵۶ مبارزات توده
های خلق بر علیه رژیم شاه مزدور، به مبارزه رو
آورد و دستریخ در مبارزات شهری فعالانه شرکت نمود.
با شرکت در اعتراضات و تحصن ها، بخش اعلامیه و شعرا -
نویسی ها، عشق خود را به انقلاب نشان می داد و کینه
خود را به دولت حاکم بیشتر و بیشتر میکرد. در این
دوره از زندگی اش، در سن دانش آموزان به کنار
تبلیغی می پرداخت و در آگاه شدن آنها نقش فعالی
داشت.

بعد از قیام پهر شکوه توده هادریمن ۵۷ و یورش و حشیانه
پاسداران ارتجاع و ارتش ضد خلقی به کردستان،
رفیق عطاء فعالیت خود را در سطوح مختلف گسترش داد.
او در مدرسه ای (مدرسه معدق سقز)، در حال آباد (یکی
از محلات فقیرنشین سقز) با خواندن اعلامیه ها و
جزوات انقلابی، توده های مستعد را به آگاه سازی
و اتحاد رهنمون میشد.

رفیق عطاء در جریان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم
هواد سازمان پیکار شد و ممترا گذشته در مقابل
دشمن خلقهای ایران فعالانه مقاومت و مبارزه
پرداخت. علاوه بر فعالیت تبلیغی در میان توده های
شهری در شرایط حاجتگی همرا با رفقای همزمش
با نارنجک و کونگل مولوتف قهرمانانه به ارتجاع
ضربه میزد. کاک عطاء در سال آخر دبیرستان بود که برای



بسیار کسرتده بسیار توده های خلق مدرسه را ترک نمود و
سپس با توجه به ایستادگی و کارآیی اش اسلحه بدست
گرفت و بجمع پیشمرگان سازمان پیوست.

کاک عطاء همرا با برچهره مبارزین در روستا ها به کار
توده ای مشغول بود و توده ها را برای مبارزه و مقاومت
آماده میکرد که کردستان را هدیور، و حشیانه دیگری
شد. جنگ تحمیلی شد و کاک عطاء نیز همرا دیگر انقلابیون
برای دفاع از خواستهای برحق خلق در شهر سقز به
مقاومت و مبارزه مسلحانه پرداخت. همزم جوان
ما بدست یکما در سقز با ضد خلق جنگید و متناگانه در در -
گیری ۲۵ خرداد "میرده" (در جاده سقز به نه) که پیشمرگان
سازمان پیکار ریک رسوی ارتشی با ۱۳ سرتش را به
مدت ۴ ساعت در کمین خود داشتند، شهیدند. کاک عطاء
شهید شد و خون پاکش جاده انقلاب خلقهای ایران
را گلگون تر نمود.

آری! پیشمرک جوان، این چنین انقلاب را به
آستانه پیروزی نزدیک تر کرد و خلق کرد را بنجین
پیشمرگی را از دست داد. اما خلق مستعد و دلیر کرد
با تقدیم خون کاک عطاء، جاده سرخ انقلاب را تس
برقراری کردستان خود مختار را برای مستقل و
دموکراتیک قاطع تر و ایستادتر میباید.
با در فقی عطاء طاطائی گرامی با دور زمش پیروز

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(کمیته کردستان)

۵۹/۳/۲۹



سندج (۵۹/۳/۲۴) اعدام رفیق "لیلا مرادی" هوادار سازمان پیکار

در نظرها شی که مردم مبارز شهر سندج
علیه وحشیگری های عوامل مزدور رژیم جمهوری
اسلامی، ترتیب داده بودند، رفیق "لیلا مرادی" بدست
خود فروختگان دستگیر و به دگان برده میشود. این
مبارز انقلابی در بازجویی، توسط "سرهنگ صدری" خاش
شدیداً مورد آزار و تفرقه و تهنیه و سپس به جوخه اعدام
سیرده میشود.

با در فقی شهید لیلا و تمامی شهدای جنبش معاویت
خلق کرد گرامی باد!

نقده (۵۹/۳/۲۵):

انتخاب عمومی اهالی مبارز نقده

اهالی کردنشین نقده، بعد از زنده رهای بشمار
به مقامات دولتی شهر برای تامین جانی و مالی خود
و همچنین عدم آزادی ۲ تن از فرزندان خود، بنامهای
محمد صدی (حلم) و رحیم بنشدار (دانش آموز) که ۱۰
روز است بدون هیچ دلیلی دستگیر شده اند، اعلام ۳
روز تعطیل عمومی نمودند. مردم مبارز نقده از صبح
امروز تا انتخاب متحدانه خود را شروع کردند و با مسلم
نمودند که اعتبار تا ۲۷ خرداد داده خواهد شد.
کردهای مبارز نقده طی اعلامیه ای از ایراد ان ترک
شهر نیز، دعوت به یکنیاتی و همکاری نمودند. آنها
همچنین هندارادانند که در صورت عدم آزادی دونفر
مذکور تصمیمات قاطع و جدیتری اتخاذ خواهد کرد.
آری خلق کرد در مقابل یورش و توطئه های رژیم
ساکت ننشسته و مبارزه خود را در شکل مختلف ادامه
خواهد داد.

بانده (۵۹/۳/۲۷) حمله به روستای (آرمده) وشهادت ۳ تن از اهالی

در این روز ارتش و پاسداران، چهار
بار به روستای آرمده "حمله کردند این حملات که
تحت حمایت هلی کوپرها، انجام گرفت. محاربهات
۳ تن از مردم بی دفاع "آرمده" و زخمی شدن ۱۲ تن
دیگر گردید که حال ۳ نفر از مجروحین وخیم است.
شهدا عبارتند از: شیخ حسین اهل نوکل رحیم رحمانی
بقیه در صفحه ۱۵

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

اگر مرداب بسوداگران مرگ راه ریشه کن کردن اعتیاد است؟

● زمینه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هم در جارجوب یک نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از بین نمی‌رود. و هر اقدامی که در این مورد صورت گیرد جنبه موقتی و مسکن دارد، جنبه کشتن "پشه‌ها" دیده نشود و سستن از "مرداب" دارد، جنبه مبارزه معلول دارد و به همین دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی قطعاً موفق نخواهد شد که قاچاق مواد مخدر را نابود سازد.



● شبکه های قاچاق در قبال تهاجم رژیم بدانها تسکلات خود را بیچیده تر می‌کنند و خود را با شرایط وقف می‌دهند و برزندگی انگلی و جنایتکارانه خود با زهم ادامه می‌دهند.

● جوانانی که کاربرد ست نمی‌آوردند با توجه به فرهنگ منطبق حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "پناه بردن" شان بسوی اعتیاد برای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است و در واقع از غرق (بیکاری) فرار می‌کنند و به مار غاشبه (اعتیاد) پناه می‌برند.

این روزها تبلیغات زیادی بیرون اقدامات آقای خلیلی بر علیه قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد. مضمون کلیه این تبلیغات اینست که با اقدام قاچاقچیان و تنگ کردن عرصه بر آنان بدین صورت، امر توزیع مواد مخدر متوقف می‌شود و "مداوای" معتادان، همزمان با این اقدامات جامعه ما از این خطر در دناک و کشنده‌رهائی می‌نابد. و تعداد بسیاری از جوانان و افراد جامعه که هم‌اکنون در دام مهلک اعتیاد گرفتار شده‌اند، نجات می‌یابند، و از زندگی فلاکت‌باری که دارند، بسوی یک زندگی نوام با سازدگی و شادابی سوق داده می‌شوند. اما آیا چنین خواهد شد و اینگونه مقابله با مسئله توزیع مواد مخدر و اعتیاد کار ساز خواهد بود؟ آیا با چنین روشی و با معانعی بدین مضمون می‌توان آرزوی هموطنان را برآورده ساخت و تعداد قابل توجهی از مردم را از نیکیت و فلاکت رها کرد؟ بنظر ما جواب کاملاً منفی است و اینگونه اقدامات و کوشش‌ها هرگز نمی‌تواند با قاچاقچیان مواد مخدر، با توزیع این مواد مرگ آفرین و با اعتیاد مبارزه کرد. چرا که این روش مبارزه معلول است و علت کار می‌نماید. در حالیکه علت وجود دارد، هرگز مبارزه با معلول به بی‌سرورزی نخواهد انجامید. تا زمانی که مرداب "که منشا" تولید پشه‌های آلوده است موجود است، ما نمی‌توانیم پشه‌ها را کاملاً نابود سازیم. با نابود مرداب را خشکانیم آنگاه، پشه‌ها خود می‌میرند.

اما علت چیست؟ علت همانا وجود نظام سرمایه‌داری و بسته‌درا ایران است. در نظام طبقاتی که بر اساس استثمار افراد و فردمستی هستند، اینگونه آفات و مضرات برای انسانها و جامعه انسانی... واقعیتی انکارناپذیر است. واقعیتی که در جامعه فئودالی بنوعی و در جامعه سرمایه‌داری بنوعی دیگر بروز میکند. "فحشا"، "زدی"، "اعتیاد"، "قاچاقچیکاری"، "کلابرداری" و... از آثار طبیعی جوامع طبقاتی هستند، و در جامعه فئودالی سرمایه‌داری، هر دو، وجود دارند. اما در جوامع سرمایه‌داری و بویژه در جوامع امپریالیستی این آثار بنوعی گسترده‌تر و در عین حال با پوشش‌های فریبنده‌تری وجود دارند. ما در اینجا به خاطر جلوگیری از طولانی شدن این مقاله بدین "آثار" یعنی اعتیاد، "فحشا"، "زدی" و... نمی‌پردازیم. و فقط نمونه‌ای از این "آثار" (قاچاق مواد مخدر و اعتیاد) را آنهم بطور اختصار مورد توجه قرار می‌دهیم. میدانیم که امرفا قاچاق، به مواد مخدر منحصر و محدود نمی‌شود و کوشش برای کسب "سود" بیشتر قاچاق در مورد کالاها و مختلف و گوناگون را بوجود آورده است ولی ما فقط به قاچاق مواد مخدر و مسئله اعتیاد می‌پردازیم. در جامعه‌ای که اساسش و معیارش "سود" و "سود" آوری می‌باشد، در جامعه‌ای که به خاطر "سود" بیشتر، اقلیتی اکثریت آن جامعه در فقر و فقر فاقه می‌برند، در جامعه‌ای که به خاطر تحصیل سود زیاد در دنیا نیست سرمایه، میلیونها انسان از ابتدائی ترین ما محتاج روزمره زندگی محروم می‌شوند... در چنین جامعه‌ای عجیب نیست که عده‌ای هم برای کسب سود زیاد به تجارت مرگ آفرین مواد مخدر دست بزنند. یعنی تجارت مرگ. وقتی سود معیار و معیار محک باشد، همه چیز مجاز است، هر جنبیتی توجیه پذیر است. مگر تجارت اسلحه توسط امپریالیستها و ایجاد جنگ‌های تحمیلی و غیرتوانا به خلفهای تحت ستم تجارت مرگ نیست. مگر...؟ آری، آنجا که "سود" و "منفعت" اهرم اصلی یک سیستم تولیدی باشد، و تمام راه‌ها بدان ختم شود، عجیب نیست

کفایتی در قضا وجود نمی‌آورد. چرا که سرمایه‌داری وابسته به اجناس است. سرمایه‌داران وجود دارند. و شبکه‌های قاچاق موجودند. (اگرچه بخشی از قاچاقچیان - خانواده‌بیلوی و... فرار کرده‌اند) و این شبکه‌ها با توجه به سودسزایی که می‌برند، با توجه به ارتباطشان با شبکه‌های جهانی قاچاق و با توجه به زمینه‌های که برای اعتیاد در جامعه طبقاتی وجود دارد، با اقدام عناصری از آنها حتی کشف برخی از این شبکه‌ها و انحلال آنها از بین نمی‌روند. این شبکه‌های قاچاق در قبال تهاجم رژیم بدانها، تسکلات خود را بیچیده‌تر می‌کنند و خود را با شرایط وقف می‌دهند. و به زندگی ابگلی و جنایتکارانه خود با زهم ادامه می‌دهند. حتی بعینت اشکالانی که در توزیع مواد مخدر ایجاد می‌گردد و با در نظر داشتن تقاضای زیاد، قیمت این مواد مرگ آفرین را بالا می‌برند و اگر تا دیروز مثلاً با فروش یک کیلوگرم هروئین ۲۰۰۰۰۰ تومان سود می‌بردند، امروز با فروش ۲۰۰ گرم، آن سود را بدست می‌آورند. چرا که زمینه‌ها و بازار وسیع ترفه و فقط توزیع مواد نسبت به قبل مشکل تر شده و برخی از رقبای احتمالی از دور خارج شده‌اند. و بدین ترتیب قاچاق مواد مخدر سودآورتر شده و از همین رو علیرغم خطرات، این "کسب" و "تجارت" باقی می‌ماند. و خطرات موجود در این راه هم با ملحوظ داشتن سودسزایی کسب بهیچ وجه نمی‌تواند بصورت مانعی تعیین کننده و حتی مهم محسوب شود.

گفته می‌شود که در ایران اکنون حدود دو میلیون معتاد وجود دارد. با یک نگاه سطحی به این معتادین درمی‌یابیم که اکثریت آنها از اقشار متوسط و محروم اجتماع هستند و کسانی که از اقشار متوسط و مرفه و ثروتمند معنا شده‌اند در اقلیت قرار دارند. زمینه‌های گرایش این اکثریت "بسوی اعتیاد و مواد مخدر چیزی نیست جز راحتی و رفاه مادی و معنوی که ناشی از ستم طبقاتی است. این ستم طبقاتی که

که برای رسیدن به هدف (سود و منفعت) به هر وسیله‌ای توسل جست. در چنین جامعه‌ای هدف وسیله را کما ملاحه توجیه می‌کند. حال این "وسيله" ها بعضی‌ها دارای ظاهری خوب و پسندیده هستند و ما هیت واقعی شان فی‌الغیور برای همه قابل درک نیست و برخی دیگر حتی ظاهراً نازیب و ناپسند است. نمونه اول مثل تجارت اسلحه که بصورت "قانوتی" و "رسمی" صورت می‌گیرد، و نمونه دوم مثل قاچاق مواد مخدر است که بصورت "غیر قانوتی" و "غیر رسمی" صورت می‌پذیرد. لکن این دو تجارت علیرغم ظاهراً نازیب و ناپسند بودن آنها - خورده می‌شوند. هر دو در خدمت سرمایه‌داری و کسب سود بیشتر قرار دارند و هر دو تجارت مرگ هستند. اما دومی یعنی تجارت مواد مخدر با طرز بازرش آن (همانند با طرز از دست‌برای مردم) تاخته می‌شود و از همین رو هم بیشتر مورد تنفر آنها قرار دارد. و در همین رابطه هم است که کلیه دول کشورهای امپریالیستی، سرمایه‌داری، سرمایه‌داری وابسته... نیز به اصطلاح "قوانینی بر علیه این تجارت" وضع کرده‌اند و جنگی چنین "تجارتی" را در ظاهر محکوم و ممنوع نموده‌اند، تا اذهان را متوجه کنند. و به مردم تحت ستم بنظر و اعتماد سازند که در جهت کمک و یاری بدانها فعالیت می‌کنند. در حالیکه بسیاری از عناصری که در این شبکه‌های قاچاق و مواد مخدر قرار دارند، در این راه هم می‌توانند دولتی جوامع طبقاتی نیز می‌باشند. جای دور نمی‌روم، ایران خودمان را مثال می‌زنیم. مگر رژیم شاه و حلال آنچه‌ها بسوی "مبارزه با اعتیاد" و مبارزه با قاچاق مواد مخدر راه نمی‌انداخت؟ ولی کیست که نداند در باره‌ها جنایتکار خود را زگردانندگان شبکه‌های قاچاق در ایران بود. این موضوع به ایران محدود نمی‌شود و آنرا برای حتی می‌توان در کشورهای دیگر منجمله آمریکا، ترکیه، کوبا، سوئی و... دید. ممکن است در اینجا گفته شود که در ایران کنونی "درباری" وجود ندارد و حکومت خود را با قاچاق مواد مخدر حمایت نمی‌کند. ما می‌گوئیم این مسئله تفاوت

اگر...

تا مل ستم سیاسی، ستم اقتصادی، ستم فرهنگی و... است که این اکثریت را سوی اعتیاد دوزخ ندرجی سوق می دهد، و خود این "اعتیاد به فحشا"، دزدی و جنایت دامن می زند. ستم طبقاتی اجازه نمی دهد که نیروها و استعداد های انسانها بکار گرفته شود. بیکاری که ذاتی سیستم سرمایه داری است (و در سرمایه داری وابسته به تقاضای این بیکاری نیستش بالا می رود) خود زمینه مهمی برای گسترش شدن بطرف مواد مخدر است. کارمندان کارگری که اجزای می شود و جوانانسی که کار بدست نمی آورند، با توجه به فرهنگ منحط حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "پناه" بردنشان بسوی اعتیاد بسیاری برای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است، و در واقع از غریب (بیکاری) فراموشی کنند و به ما رفاغشاه (اعتیاد) پناه می برند. علت زوی آوردن آن "قلبت" مرفه را هم بسوی اعتیاد، با زیا بد در طبقاتی بودن جامعه دید. اقلیت مرفه و تکمیل راهی که از قبل استعمار اکثریت بوده ها کارگران و زحمتکشان، از ترقی می کنند و به تن بیوری و بیکاری خود گرفته اند، به هر وسیله ای دست میزنند تا غوازی خود را از راه "بیکاری" (البسته از نوع دیگری نجات یابند) از جمله این "وسله" ها یکی هم مواد مخدر است...

بسیار آنچه رفت، با بدست زدن از زمین بردن با زار برای مواد مخدر و خودکشی است. و بدست وسيله علت وجودی قاچاق مواد مخدر هم زمین برود. زمینها اعتیاد دوزخ قاچاق مواد مخدر هم در جا رجب بیک نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از زمین نمی رود. و هر اقدامی که در این مورد صورت گیرد، جنبه موقتی و ممکن دارد، جنبه کشش "پناه" و دیده فرو بستن از "مرداب" دارد، جنبه میا رزه ها معلول دار و دوسه میس دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی قطعاً موفق نخواهد شد که قاچاق مواد مخدر را نابود سازد، اعتیاد را از زمین ببرد، و معنا دین را معالجه کند، و سلامت روحی و جسمی را بدندان بازگرداند. حال حتی اگر اقدامات مداومتری مریض و معنا دهد ما باشد. زیرا همانطور که تجربه نشان داده، معنا بدست زدن زمین موجود، مدت کمی پس از "مداوم" مجدداً گرفتار مواد مخدر می شود و کمتر معنای بوده است (بویژه معنایان به هروئین) که برای همیشه در یک جامعه طبقاتی از شر اعتیاد درها شای پیدا کرده باشد، اینجاست که به روینا شای بودن و صوری بودن اقدامات خلخالی رژیم (چه اعتیاد من، چه مداومش) بی می بریم. در حالیکه اگر بارین به ما رزه شود، یعنی بر علیه نظام سرمایه داری وابسته اقدام شود، (چیزی که از توان رژیم جمهوری اسلامی خارج است - رژیمی که خود به با زاری سیستم سرمایه داری وابسته ایران برداخته است)، و این نظام نابود گردد، وجهه جمهوری دموکراتیک خلق برهبری پرولتاریا برقرار نشود، مسئله اعتیاد دوزخ قاچاق مواد مخدر هم قابل حل هستند همانطور که مسائل دیگری از قبیل مسکن، گرانسی، فحشا، و... قابل حل اند. و این راناریخ انقلابات دموکراتیک و سوسیالیستی برهبری طبقه کارگر بخوبی نشان داده است و برای نمونه میتوان چنین و بیستما را بعد از پیروزی انقلابی نشان ذکر کرد، بویژه در چین برهبری حزب کمونیست میلیونها نفر معساده از جنگال لغت آورا اعتیاد درها گشته و نیروی کارشان که بوسیله غریبیت مواد مخدر به بند کشیده شده بود، آزاد گردید و در جهت تکوفا شای و آبادانی کشور بکار گرفته شد.

دسترنج زحمتکشان در جیب گشاد مفتخواران ۲۵۰۰۰ تومان حقوق ماهیانه سران حزب جمهوری اسلامی

اکنون بر مسند قدرت نشسته اند، حقوقی معادل بیش از ۱۲/۵ برابر حقوق ماهیانه یک کارگر ساده را می گیرند و روشن است که این مبلغ از هج منسی نامس مستودحرا دسترنج و عرق جبین کارگران و زحمتکشان ما که توسط "سرمایه داران اسلام پناه" استعمار میشوند.

دست مفتخواران از دسترنج زحمتکشان کوباه! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ب - ب - ش. ۶۲۰
۱۳۵۹/۴/۶

■ - البته آقای موسوی اردبیلی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ پنجشنبه ۵ تیرماه ۵۹ ادا کرده اند که تاکنون از دادگستری وجهی دریافت نکرده اند که ما فضا و آسرا به همه خودخوانندگان ما میگذاریم!

در شرایطی که تورم، گرانی و کمبود ما محتاج زندگی از یک طرف و پاشیدن بودن دستمزدها و بیکاری از طرف دیگر کارگران و زحمتکشان را زبرفنا رکننده ای قرار داده است و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، هرگونه صدای حق طلبانه کارگران را با کلوله و جملاتی و تکفیر پاش می دهد، سردمداران حزب جمهوری اسلامی و مفتخواران رژیم حاکم هزاران تومان حقوق ماهیانه دریافت می کنند.

اسنادی که ملاحظه میکنید، تا حد این ادعای ما است و نشان میدهد که آیا الله دگرسپهنی و آیت الله موسوی اردبیلی (م) طبق قانون مصوبه رژیم مستور تا ۲۵۰۰۰ تومان بر خود دارند این آقایان "آیت اللهها" و "باصلاح" حاکمان مستضعفین که از شرکت انقلاب شکوهمند بوده های زحمتکش

تاریخ: ۳۰ تیر ۵۹
شماره: ۱۵۷۱۹
پست: وزارت دادگستری
اداره کل ابراهامی

چون جناب مستفاد جناب "حج" الاسلام آیت الله دگرسپهنی محمد حسین بهشتی بموجب فرمان مقام رهبری بر مسند در برنامانی کشور منصوب شده اند بنا بر این باستاند تصدیق ذیل نامه، قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اعلی قیامت حسب سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشان را معادل آن حقوق قضا (حقوق ۱۲۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده یک لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق حسب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران بر ایت نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

۱۳۵۷/۴/۶

تاریخ: ۲۷ تیر ۵۹
شماره: ۱۵۷۲۴
پست: وزارت دادگستری
اداره کل ابراهامی

چون جناب مستفاد جناب "حج" الاسلام آیت الله دگرسپهنی محمد اکرم موسوی اردبیلی، بموجب فرمان مقام رهبری مست دادستان کل کشور منصوب شده اند بنا بر این باستاند ستر ذیل نامه، قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اعلی قیامت حسب سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشان را معادل حقوق ذیل و نیز (حقوق ۱۲۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده یک لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق حسب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران بر ایت نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

۱۳۵۹/۴/۶

از شرایط بحرانی جامعه ما در نداشتند، علیرغم اینکه کمونیستها، همواره نفرت و انزجار خود را از چنین اقدامات جنا بیکارانه و عا ملین ضد خلقی آنها، بارها و بارها اعلام نموده اند، اما بعد از هر حادثه ای از این قبیل، رژیم جمهوری اسلامی به سمپاشی علیه انقلابین و بویژه کمونیستها پرداخته است تا زمینه را برای کشتار کمونیستها و نیروهای انقلابی تحت عنوان اعدام خرابکاران و... مهیا سازند، ما ضمن محکوم ساختن چنین اعمال جنا بیکارانه و ابراز نفرت از آدمکشانی که جان هم میبند ما را و شقیه نیل به هدفهای سنگین خود قرار داده اند، به بازماندگان حادثه خونین احوال تسلیت میگوییم و نیروهای انقلابی، کارگران، زحمتکشان و دیگر هموطنان را به هوشیاری هر چه بیشتر برای مقابله با توطئه های خدا انقلاب و افشای سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی از آن فرامیخوانیم

چه کسانی بمب گذاری میکنند؟

روز سه شنبه سوم تیر ما ه انفجار یک بمب قوی در یکی از خیابانهای پرازدحام ا هواز ۹ کشته و ۵۰ مجروح بجای گذاشت. این بمب گذاریها که مردم بیگناه را هدف قرار داده، کارساک و کبها و عمال رژیم سابق که آزادانه می چرخند و جنا بیکاران مزدور دست عمرا ق و مرتجعینی است که برای نیل به مقاصد ملیتد سیاسی خود به کثیف ترین شیوه های تروریستی دست میازند چنین اعمال جنا بیکارانه ای که بویژه در خوزستان انجام میگیرد، عم رذالت مزدوران رژیم فاشیستی عراق و ابادی امپریالیسم را نشان میدهد که برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم زحمتکش و برای بهره برداری



می کشید. این گروه می گفت:

"انقلاب به معنای سیاسی آن عبارتست از انتقال قدرت حاکم از دست طبقه میزبند به دست طبقه بالنده". (ا علامه توضیحی مواضع ایدئولوژیک، آبان ۵۶ - تا کیدازماست).
این گروه به سبب همه بورژوازیستها و ریزبویستها نسبتاً تنها صحبت از "انتقال قدرت" کرده و در هم شکستن قهری ماشین دولتی و انجام انقلاب قهرآمیز را آگاهانه نمی می کرد، بلکه بلافاصله ما فاه می نمود که همان "انقلاب" از طریق انتقال قدرت در دست مبارزه نیست، بلکه ابتدا باید "دیکتاتوری فاشیستی" رژیم بنا هوا "ترسگون" کرد و برای این منظور باید با سختی از "بورژوازی بزرگ" و کمپرادور حاکم در چهار رجب "جبهه واحد ضد دیکتاتور" و وحدت نمود. (همانجا).

این گروه از ردمتی چریکی به دردها انقلابی و انقلاب ویدیش متی ریزبویست می سازش طبقاتی و کرتش در برابر بورژوازی می رسد.

سازمان چریکهای فدائی

از چه موضع متی چریکی رانفی میکند؟

بسیار از این اشتعاب، سازمان چریکهای فدائی از آنجا که متی چریکی را مورد انتقاد انقلابی قرار نداد و کوشید تا این زخم کهنه را در لابه های ضخیم سری از افکار چریک ریزبویست سیواند، بنا بر این نمی توانست در مقطع دیگر با برآمدن دیکتاتور سوسیالیستی مواجه باشد. برخورد بورژوازیست جهت نفسی و بیواندن تناقضات دروسی راه علاج چران نبود. چنین برخوردی اگر چه ممکن است انفجار چران را کمی به تعویق باندازد، ولی در مقطعی بعداً با دافع ساز را دو چندان خواهد کرد. بدین ترتیب از آنجا که سازمان چریکهای فدائی نمی تواند بطور ریشهای به متی چریکی برخورد کرده و آنرا مورد نفی پرولتاری قرار دهد، موضع انحرافی گذشته در ردمتی چریکی نمیتوانست دوباره ظهور کند. در بستری از اپورتونیزم، برده - بوشی نهادها، و آلودگیهای ریزبویست، مرز بندی ریزبویست با متی چریکی امری اجتناب ناپذیر بود. در مینتی از تحول انقلابی جامعه، در هکما میکه مبارزه پرولتاریا را و توده های رجمکتس اوج میکرفت، در زمانی که متی چریکی زیر ضربات جنبش توده ای و شکوفائی مارکسیسم لنینیسم در هم میشکست و نتوانی ماهوی آن در بسج و سازماندهی و هدایت توده ها پیش از هر زمان دیگر آشکار میشد، سازمان چریکهای فدائی به شیوه ای پراگماتیستی و در عین حال اپورتونیزمی در پی فراموش کردن متی چریکی برآمد.

سازمان چریکهای فدائی آهسته آهسته و بیطور اپورتونیزمی به فکر کنار گذاشتن متی چریکی افتاد. این سازمان که در فقدان مراحات کمونیستی و متسد انقلابی کار نموده بود، از اواسط سال ۱۳۵۸ متی آوانتوریزمی حاکم را بکار گذاشته و در تیرماه همان سال طی یک اعلامیه تلویحاً به "پارهای از اشتباهات خویش" اعتراف کرده و "متی سیاسی - تشکیلاتی" را بعنوان متی رسمی خود مورد قبول قرار میدهد. لیکن از آنجا که این کنار گذاشتن در بستری از مبارزه ایدئولوژیک فعال و آموزش مارکسیستی لنینیستی نبود، و بنا بر این امکان زدودن تمام آثار و عوارض آن نمی توانست وجود داشته باشد، بدین لحاظ این

آثار و عوارض در تمام سازمان به بقای خود ادامه داده و علاوه بر این ریزبویست که در بطن سازمان موجود بود، اینک امکان رشد بیشتری می یافت. کنار گذاشتن متی چریکی از آنجا که با نقد کمونیستی همراه نبود و لئونیستی انقلابی را مطرح نمیکرد اینسک زمینه "پیشروی نظرات ریزبویست را فراهم می نمود. در چنین هنگامی که متی چریکی کنار گذاشته شده بود دیگر نتوانست سازمانی را بسازد که متی چریکی، بلکه کرایش ریزبویست را استوارانه حاکم بود. متی چریکی اگر چه بشکل فرم منستی و پراگماتیستی کنار گذاشته شده بود، لیکن دیگر حوجه غالب انحراف سازمان را تشکیل نمی داد، بلکه این وجه غالب عبارت بود از متی را استوارانه و بزرگی ریزبویست که به تازمه سیاست هدایت کننده سازمان در تمام عرصه های فعالیت عمل می کرد.

کرایش ریزبویست که چه دارای اسجام کافی

مقابل ردمتی چریکی یک آلترنا شولیزم را می - ریزبویست قرار می دهد و سمت گیری طبقاتی خود را مشخص می گرداند. در واقع چران اپورتونیزمی حاکم با نفی متی خرده بورژوازی چریکی به مسبب پذیرش متی ریزبویست - بورژوازی میل میکند و طی یک روند، در بستری از تحولات طبقاتی سیاسی، مسنگری خویش را به جانب بورژوازی ادامه داده و با لایحه به جبهه ریزبویستها و بورژوازی در می غلطد.

آنچه که سازمان چریکهای فدائی در پیش میگرد نشان بکوزا و به نگرش این سازمان در ردمتی چریکی است. واقعیت نشان می دهد که چران حاکم از موضع ریزبویست به نفی متی چریکی پرداخته و سپس آلترنا تیوی که ارائه می دهد جز یک آلترنا تیوی ریزبویست نیست. در حقیقت ایان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد میکنند که حزب توده و این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و گروه منشعب "آبراد نمان" نموده بود.

آنچه که سازمان چریکهای فدائی در پیش میگیرد نشان بکوزا و به نگرش این سازمان در ردمتی چریکی است. واقعیت نشان میدهد که چران حاکم از موضع ریزبویست به نفی متی چریکی پرداخته و سپس آلترنا تیوی که ارائه می دهد جز یک آلترنا تیوی ریزبویست نیست. در حقیقت ایان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد میکنند که حزب توده و این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و گروه منشعب "آبراد نمان" نموده بود.

در مقاله "اکثریت و مسئله اقلیت" (کار - ۶۱) بکار دیکر مزیندی ریزبویست چران ریزبویست اکتیو مشخص می شود. این جریان اگر چه ردمتی چریکی را از جانب خود "شکوفائی مبارزه طبقاتی پرولتاریا" روجه ایدئولوژیک آن قلمداد میکند، ولی حقیقت اینست که هر نفی ای، نفی پرولتاری نیست. می توان متی چریکی را از زاویه خرده بورژوازی و امپریال ریزبویست مورد نفی قرار داد.

این کارگزار سوسیال امپریالیسم، تبلیغ کرده بود "گروه مستبد" آنرا دنبال نموده بود. زمانی که این جریان، متی چریکی را کنار گذاشت، "سازمان سترژیک حاکمیت خلق" را مطرح کرد و مطرح ساخت که متی رجمهوری دموکراسی خلق به رهبری طبقه کارگر شعار را تارسی و جبر روانه بوده زیرا این شعار:

"در مرحله کنونی تنها به تنه دماهای چران - های غیر پرولتاری می جنبش کارگری منحرف خواهد شد". (ما زهموظا فداسی - آدر ۱۵۷)

سیاست جدید جرمعنا ی کرتش در مقابل بورژوازی و نفی رهبری پرولتاریا بر انقلاب جیزدیگری نمی توانست باندوسیس ما تا حدی بودیم که سازمان چریکهای فدائی ملهم از کرایش ریزبویست می ملت به حمایت آشکار از دولت ارتجاعی بازرگان سومی خیزد و چران حاکم ناخوشی پیش می رود که مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی بورژوازی و سرمایه داری واسمه و سر انقلاب قهرآمیز رانفی می نماید (۲). ناخوشی پیش می رود که صلح طبقاتی تحت حاکمیت بورژوازی را سود می دهد و در زمانه با سران مریخ رژیم و آسهم فرد مغفوری چون هشتی مطرح می سازد که در صورت تحقق سازش حاضر است در مقابل نیروهای انقلابی در کنار بورژوازی نایستند، حاضر است در برابر "کموندارها" و "رتاشی ها" دست اتحاد دهد (۳).



(۲) - رجوع شود به ضمیمه پیکار ۴۷، تحت عنوان "تسا حکم کرده ریزبویست علیه مارکسیسم لنینیسم".
(۳) - رجوع شود به مذاکرات دوست از رهبران چران ریزبویست (فرض نگاه دارم متی) با بهنسی.

نمود و نیز مواجها مفاومت کرایش انقلابی درون سازمان بود، ولی حرکت اساسی حاکم بر سازمان را متاثر کرده و خود را در متی مواضع سیاسی راجع به اساسی ترین مسائل ملی و بین المللی منسور می ساخت. بدین لحاظ انحراف اصلی که سازمان را در خود میقتدر، از این پس همان انحراف ریزبویست بود که در موضع ملت قرار گرفته بود.

در چنین مقطعی است که متی لیسرال آنرا ردمتی چران حاکم بر سازمان جای خود را به متی لیسرال ریزبویست حاکم می دهد. خط انحراف مواجها مفاومت کرایش انقلابی (هر چند بدون انجام مودارای النفاظ) بود و بدین لحاظ نمی توانست تنها بکماز میدان سیاست باند، ولی در یک برآیند عمومی و حرکت کلی این خط اعمال هژمونی می نمود.

در چنین مقطعی متی لیسرال آنرا ردمتی که ابتدا در شعار "نبرد علیه دیکتاتور" تا "انعکاس می یافت، در شعار "حاکمیت خلق" خود را اندام می بخشید و این شعار دقیقاً با نفی هژمونی طبقه کارگر بر انقلاب عین بود. جوهر لیسرالی این متی خود را در عدم اعتماد به پرولتاریا و تنزل در برابر بورژوازی لیسرال منسک می ساخت. علاوه بر چران غلبه ریزبویست - سوسالیستی و مواضع سازمان متی ایدئولوژیک سانسرسی سازمان به متی ایدئولوژیک ریزبویست - نیستی تبدیل می نمود. چران حاکم پیش از این در جهت تحکیم این متی ایدئولوژیک میکوشید و بنحوی که مرز بندی مقدماتی سازمان با ریزبویست خروچقیسی آهسته آهسته کم رنگ شده و بیکار می نمود، حمایت از شوروی "سوسیالیستی" طرح می نمود و حمله مستقیم آشکاره تر به اصطلاح ارتجاعی سوسیال امپریالیسم آغاز میگردد. بدین ترتیب متوجه می شویم که چران حاکم در

در مقاله "اکثریت مسئله اقلیت" (کا ر ۶۱) یکبار دیگر مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت مشخص می شود. این جریان اگرچه در مشی چریکی را از جانب خود "شکوفائی مبارزه طبقاتی" پیرونتاریا در وجه ایدئولوژیک آن قلمداد می کند ، ولی حقیقت این است که هر نفی ای، نفی پرولتاری نمی باشد. می توان مشی چریکی را از زاویه ای خرده-سورژواژی ویا لیبرال - رویزیونیستی مورد نفی قرار داد. بیرواض است که نفی لیبرال - رویزیونیستی مشی چریکی نه بیفایده است بلکه دقیقاً بمعنای سنگینی مشخص به جانب سورژواژی میباشد .

در این مقاله که محور اساسی آن در انتقاد به مشی چریکی است جریان رویزیونیستی به مثال نفی مشی انقلابی (ولی خرده سورژواژی) چریکی قادر نیست تا آلترنا تیوا انقلابی پرولتاری را ارائه دهد. این جریان از نفی مشی چریکی به نفی فهر انقلابی می رسد. به این معنا که بی از خط کشی کردن با می آوانوربستی چریکی با مبارزه مسلحانه جدا از توده مطرح مبارزه مسلحانه توده ای و استنباط توده ای از قهر نمی - بردارد. این جریان رویزیونیستی مشی چریکی را نادرست ارزیابی می کند. ولی نمی گوید که آلتر - تا تودریا برینا مبارزه مسلحانه جدا از توده چیست ؟ او از طرح انقلاب توده ای فهرآ میزد راه استفسار جمهوری دموکراتیک خلق برهبری پیرونتاریا ظفره رفته و آنرا آگاهانه به طاق نسیان می گوید .

جرا سازمان چریکهای فدائی

نمی تواند با حزب توده مرزبندی کند؟

مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت با مشی چریکی هنگامی با رزتری می گردد که ما متوجه می شویم که این جریان نمی تواند دنیا دیدگاه و درک حزب توده رویزیونیست در این مورد مرزبندی کند. ابتدا تم که حزب توده بر اساس مشی رویزیونیستی خود با ما مخالف اعمال فهر توده ای و انجام انقلاب می باشد. زمانیکه حزب توده علیه مشی چریکی و انقلابی بیون چریک هرزه درائی می کرد، عدیت خود با فهر انقلابی علیه ارتجاع را بنمایش می گذاشت. البته حزب توده مخالف مدخله و کودتای نظامی اریاییان روسی خود نمی باشد، او مخالف کودتای نظامی و اقدامات مسلحانه وایستگان ویا طرفداران سوسیال امپریالیسم نمی باشد، او مخالف سرخخت فهر انقلابی و انقلاب مردمی می باشد. و مخالفت او با مبارزه چریکی از همین موضع ارتجاعی بود. حزب توده بر اساس مشی رویزیونیستی و تسلیم طلبانه خود با فهر انقلابی هفتنه در مشی چریکی عدیت می ورزید .

با توجه به این مسئله جریان رویزیونیستی اکثریت قادر نیست به مرزبندی با حزب توده بپردازد. زیرا خود از موضعی رویزیونیستی به در مشی چریکی می پردازد. در برخورد به رفقای اقلیت جریان رویزیونیستی اکثریت می نویسد :

"سخن سازمان همواره آن بوده است که ما زمانیکه یک رشته تئوری های عام و جهان شمول مار - کمیت لینینیستی مورد قبول ما نباشد ، بحث بر سر خط ویرنا مه ، تحلیل حاکمیت ، تحلیل - موقعیت و وظایف ما هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید ... همه تگونه که اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل های

متفاوتی که از مسائل عملی کنونی (منظور خط ویرنا مه ، تحلیل حاکمیت و ... میباشد - پیکار) با "حزب توده" داریم، مرزبندی خود را با این جریان مشخص می کنیم. درک متفاوتی که ما از ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی مارکسیست - لنینیست ها در مبارزه طبقاتی داریم، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انترناسیونالیسم پرولتاری داریم، ما را بر آن می دارد که از قبل بنوا نسیم مشخص کنیم که مثلاً اپورتونیسم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیستها در شرایط کنونی توصیه ونا کد می کند ."

(اکثریت مسئله اقلیت ، ضمیمه کا ر شماره ۶۱)
این مقاله اولین مقاله ای است که در آن جریان اکثریت بطرز آشکار به نفی مشی چریکی پرداخته و به حول همین مسئله به مرزبندی با دیدگاه و چپ روانه می بردارد. طبیعاً این مرزبندی با دیدگاه و چپ روانه از موضعی راست روانه صورت می گیرد و علاوه بر این جریان رویزیونیستی نمی تواند دنیا انحراف راست - روانه و رویزیونیستی در برخورد به مشی چریکی مرز - بندی کند. او نمی تواند دنیا این انحراف مرزبندی کند زیرا خود با این دیدگاه انحرافی مرزبندی ندارد .

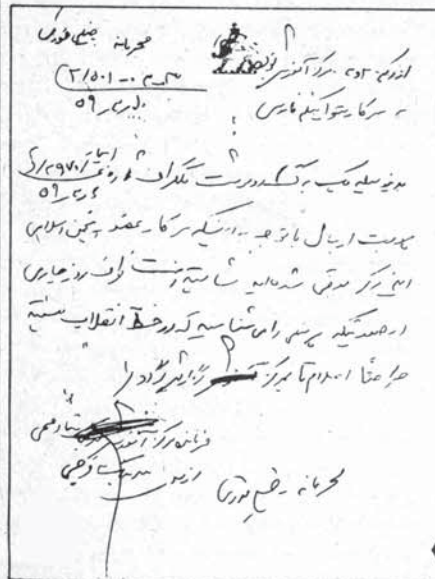
این مسئله را بیشتر توضیح می دهیم :
ما از نتایج آنگار حملات بالا در می گذریم . ولی مسئله اساسی استنتاج که جریان اکثریت نمی - سواند با حزب توده بر روی مشی چریکی خط کشی کند . او از " اپورتونیسم راست " محبت می کند ولی اولاً این " اپورتونیسم " را در رابطه با دیدگاه حزب توده درباره ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات و وظایف مارکسیستها و انترناسیونالیسم پرولتاری ارزیابی می کند و نه در رابطه با مشی چریکی ونا نیا - اطلاق " اپورتونیسم راست " به حزب توده از جانب جریان اکثریت یک شمار نوالی است . چرا ؟ زیرا که در تمام موارد فوق بنس نظرات حزب توده و جریان رویزیونیستی اکثریت

اساساً یک همخوانی و هموائی وجود دارد. ما سئوال می کنیم، چه تفاوت اساسی بین این دونظرگاه را جمع به ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات وجود دارد ؟ مگر نه اینکه سورژواژی و دولت حاکم مورد پشتیبانی ونا نشید هر دونظرگاه است. و هیئت حاکمه دولت آن ضد امپریالیست قلمداد می گردند؟ ما سئوال می کنیم، مگر نه اینکه بنیکه وظایف کمونیستها از دیدگاه هر دو جریان حمایت از دولت ارتجاعی حاکم، نفی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کوشش در به انقیاد کشیدن طبقه کارگر در چهار چوب نظام حاکم است ؟ ما سئوال می کنیم، مگر نه اینکه انترناسیونالیسم پرولتاری از دیدگاه هر دو جریان مترادف با حمایت از سوسیال امپریالیسم شوروی و طرح " اردوگا سوسیالیستی " می باشد ؟ (البته با این تفاوت که حزب توده کارگزار سوسیال امپریا - لیسم است و کاملاً و بطور همگامانه در گداید اپورتونیو - نسیم عوطه و راست) .

بدین ترتیب می بینیم مضمونی که از " اپورتو - نسیم راست " حزب توده از جانب جریان رویزیونیستی اکثریت استنباط میشود، همان مضمونی است که در مورد خود این جریان نیز قابل تعمیم می باشد. برای این اساس روشن می شود که اگر جریان رویزیونیستی اکثریت با حزب توده خاش نمی تواند در رابطه با مشی چریکی مرزبندی نماید، بدین دلیل روشن است که در میان ایدئولوژیک خود با فهر مرزبندی با حزب توده نمی باشد. بمعنای دیگر اینکه از آنجا که این جریان خود رویزیونیست می باشد، بنا بر مبرمواضعت در اساسی ترین مسائل جنبش طبقه و توده ها ، انقلاب و ضد انقلاب و مسائل جنبش کمونیستی بین المللی و ایران با مواضع حزب توده انطاق می نماید. بدین لحاظ انطاق دیدگاه جریان رویزیونیستی اکثریت درباره مشی چریکی با دیدگاه حزب توده در همین زمینه امری اجتناب ناپذیری می گردد. یعنی هر دو جریان در یک نقطه یکدیگر را لانی می کنند. این نقطه همان رویزیونیسم است .

"پاکسازی" در ارتش یعنی چه؟

سستم حاکمی و خرجینی بر علیه مخالفین و تضعیف و اعمال فشار علیه آنها اکنون به امری رایج و روزمره در میان اربکتهای دولتی بدل گشته است . این امر در ارتش و دیگر نیروهای انتظامی با شدت هر چه بیشتری دنبال میشود. همانطور که در سربریس ملاحظه می کنید، رکن ۲ (ضداطلاعات ارتش) و رکن ۳ مرکز آموزش ، خطاب سیک افشارتشی از او خواسته اند که با ملاحظه کنائی را که "در خط انقلاب نیستند" معرفی نمایند. بدین معنی است از نظر اینان "در خط انقلاب" بودن یعنی همچون کوفندی سربزیر ویا براهیست، فرامین فرماندهان ارتشی را یک سبک و بدون کم و کاست اجرا کردن بدون هیچگونه اعتراضی در خدمت کنسار و سرکوب خلق گردید و ارتشگش. در فرهنگ انسان انقلابی کسی است که با میل و رغبت شریک جناسات رژیم باشد و هیچگونه عمل مخالفی علیه نظام حاکم از او سرزند. منظور آنها از کسانی که "در خط انقلاب" نیستند وایستگان به رژیم است. چون هنوز فرماندهان میزدور گذشته سیرکار بند، منظور آنها پرسنل انقلابی درون ارتش است نه چیز دیگر. سند مقابل نمونه کوچکی است از اینگونه توطئه های رژیم حاکم علیه پرسنل انقلابی ارتش .



جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی (۳)

مادرشماهای گذشته در شرایطی که شماها در آن هستید قرار گرفته‌اید و درون هیئت حاکمه و ما هیئت آن توضیحاتی داده و کوشیدیم تا علت بحران در "بالا" را بشناسیم. در اینجا در پی آن هستیم تا وظایف نیروهای آگاه را در چنین شرایطی مختصراً شرح نمایم:

وظایف نیروهای آگاه

امروز جامعه ما در شرایط اعتلا قرار داشته و بحران اجتماعی اقتصادی موجود مبارزه طبقاتی را با زهم یکشافتن و توسعه خواهد داد. طبقه کارگر و سراسر توده‌ها که بر سر فرمان رسیده‌اند، مستحقان هیئت حاکمه و امپریالیستها قرار دارند. بیش از هر زمان دیگر استعداد تکوینی جهت توسعه مبارزه را خود نشان می‌دهند. توده‌های خلق با انگار به تحریر و ست مبارزاتی خود، سخت تا سرعادت آگاهان هرگز از نیروهای کمونیست و انقلابی و مبارزان کمونیستی مبارزه خلق قهرمان گردستان و... بیش از پیش درمی‌یابند که حکومت جمهوری اسلامی ما هنوز توان از سر آوردن خواست‌های حق طلبانه آن است. توده‌های مردم می‌بینند که بیگاری، تورم و کوری، فقر و فلاکت و ستمگری‌های سیاسی و سرکوب آزادی‌های دموکراتیک به آنها از بین نرفته، بلکه همچنان ادامه پیدا می‌کند و سراسر شرایط دشواری برای زندگی آنان بار می‌آورد. آنان می‌بینند آنچه که رژیم اسلامی می‌گوید جز عوام مغربسی و فریبکاری جبریدگی نیست و "عدل اسلامی" این رژیم حوظ و ستم برای زحمتکاران معنی دیگری ندارد. آنان می‌بینند که سران رژیم جمهوری اسلامی برای داشتن سهم بیشتری از قدرت سیاسی امروز بخان بگذرد افتاده، "اخبار اسلامی"؟! خود را فراموش کرده و بیش از هر زمان دیگر ما هیئت مردمی، دغلیک را به و رسوای خویش را بنمایش گذاشته‌اند.

در این اوضاع، توهم و باورهای انحرافی مردم زحمتکش نسبت به این حکومت به سرعت درهم می‌شکند و آنان اعتماد خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش از دست می‌دهند. امروز در شرایطی که شماها درون هیئت حاکمه شدید بنده و هر چه بیشتر توطئه‌ها و دسائیس "بالائی"ها بر ملا می‌شود، توده‌های مردم بطور روزافزون درک می‌کنند که "رژیم عدل اسلامی" رژیمی توطئه‌گر و مردم فریب است. رژیمی است که به در جهت منافع خلق، بلکه دوست امپریالیست و برده منافع خلق و انقلاب عمل می‌کند و برعکس توده‌ها هر چه بیشتر درک می‌کنند که نیروهای انقلابی و کمونیست تنها مدافعان راستین انقلاب می‌باشند.

بدین ترتیب امروز در شرایطی که زمینه گسترش مبارزات توده‌های آگاه و زمینه نگه‌داشتن توهم توده‌های زحمتکش بیش از هر زمان دیگر فراهم آمده است، امروز در شرایطی که نیروهای ارتجاعی پیشین که از قدرت فرو افتاده‌اند و میکوشند تا توده‌های جدا شده از رژیم حاکم را بسخت خود می‌تامل سازند، نیرو - هائی که با کمک مستقیم امپریالیستها و امکانات گسترده از قبیل رادیوهای امپریالیستی مذبح‌خانه می‌کوشند تا طلب اعتماد توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی را به اعتنا نسبت به ما بیاورند، گنبدیده و ننگرانی چون بنحیروا و... بدل نمایند.

امروز در شرایطی که نیروی ما نندبخش اکثریت سازمان چریکهای فدائی به حیطه ریزونیستها پیوسته و رابطه خود را با جهان بینی علمی طبقه کارگر بکلی قطع کرده است و به بورژوازی خدمت می‌کند و نیز نیروی ما نند سازمان مجاهدین بر اساس نا بیگبیری

خود به سازش با جناحی از هیئت حاکمه روی آورده است و بر این سیاست سازشکارانه با فشار می‌کند و بی - اعتنا به مصالح انقلاب به امتیازات حزبی از بورژوازی دلخوش کرده است.

امروز در شرایطی که نیروهای کمونیست و انقلابی منکی بر دموکراسی میسر از فوگ کسرتدهای در میان طبقه کارگر و سراسر توده‌ها برچوردند، رسیدند.

آری در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگر وظایف خطر و سنگینی بر دوش کمونیستها و دیگر

باید هر دو را خفه کرد.

انقلابیون باید بکوشند تا به نهاد های هیئت حاکمه در این بریند و جناحی آراسی از پیش ضعف نمایند. انقلابیون سیاست توسعه بخشیدن به مبارزه طبقاتی را هیچگاه نباید فراموش کنند و برای اسی منظور تا کشیک انقلابی در این زدن به نهاد های "بالائی" را نباید مدنظر قرار داد. در این زدن به نهاد های هیئت حاکمه در خدمت مبارزه طبقاتی است حال آنکه سازش با سختی از هیئت حاکمه در نهادها منافع انقلاب می -

● امروز اوضاعی است که بخصوص جناح لیبرال ها مورد حمایت امپریالیستها و مرحله امپریالیسم آمریکا می‌باشند. کنگراس بررسی جنایات شاه که به ابتکار جناح بنی ضد سرکراشد مورد حمایت مستقیم بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیستهای اروپائی بود این امر نمونه کوچک ولی بارز از ماهیت ارتجاعی یا ندم بنی ضد راینمایش می‌گذارد. حال آیا انقلابیون باید لیبرال نمائی بنی ضد ررا به پای "دموکرات" بودن او بگذارند و بیا بهای عوام فریبی این بخش از بورژوازی؟

باید نهاد های درون هیئت حاکمه یک واقعیت است. لیکن انقلابیون بهیچوجه نمی‌توانند به این نهادها و با نسی از هیئت حاکمه ارتجاعی بکنند و باید عملاً منافع انقلاب را کدمال کنند. انقلابیون سبکسر باید نبوده‌ها و وسیله ار همه به طبقه کارگر بکنند. آنان باید به مبارزه طبقاتی در جامعه توسعه روز - افزون آن انگار نمایند. انقلابیون سبکسر باید دیدن به مبارزه سبکسوده‌ها ارتجاع را نسبت سلاسی و با بودی قطعی سوب دهند.

رهبری سازمان مجاهدین صورتی کند که منوالید از کابال همین دستگاه حاکمه در قدرت سهم کرد و توان قدرت را قبضه کند و همسین خاطر سیاست سازش طبقاتی با بخشی از بورژوازی یعنی جناح ارتجاعی بنی ضد ررا بر کرده است و تا کما ها به میکوشند تا جیره رسوای اس جناح در بر سوده‌ها افشا کرد. این رهبری عملاً می‌کوشد که نیروی انقلابی بوده‌های سازمانی و هواداران مورد استفاده بنحی از بورژوازی مبارکند.

رهبری مجاهدین صورتی کند منوالید ارتجاعی سفع خود و ارتقای خود در هر دولتی استفاده کند. حال آنکه واقعیت جبریدگی است. واقعیت است که حتی از بورژوازی در دعوی خود علیه جناح دیگر از هیئت حاکمه میکوشند تا از سبکسوده‌ها و

واقعیت خویش را در هر قدر سیاسی حکم نماید جناح بنی مدعوا مغرب میکوشند تا از بعد سوده‌ای سازمان مجاهدین در مقابل ما حریف و برای بقویست خود استفاده نماید. جناح بنی مدعوا چمک هائسی ایجا و آنجا و با دادن امتیازات نا جزو بار در واقع عدو امتیازات رهبری سازمان مجاهدین را بدست خود کشند و در مقابل حریف یعنی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی نمایش قدرت دهد. و رهبری سازمان مجاهدین دقیقاً در خدمت حسن سیاسی حرکت میکند. منی حاکم بر ما هدین عملاً به سبکسوده‌های از بورژوازی ارتجاعی ایجا نموده است. ولی فراموش نکنیم ما سسی که این بخش از بورژوازی (و سایر بخش دیگر) اسواد

انقلابیون قرار دارند. این وظایف خطرناک است از توسعه مبارزه طبقاتی توده‌ها و تدارک همه جا به انقلاب.

سازش طبقاتی

یا ادامه مبارزه طبقاتی؟

ریزونیستهای حزب توده، سبکسالی و بخش اکثریت سازمان چریکهای فدائی مطرح می‌کنند که رژیم کمونیستی "مبارک" نیست "می‌تواند دنیا بر اساس سازش آن دفاع کرد. انسان به مبارزه طبقاتی و ملی توده‌ها فرمان است داده و مدبوحا به میکوشند تا از وقوع انقلاب جلوگیری کنند. این سیاست ریزونیستی نیستی کما ملا در خدمت بورژوازی بوده و علیه بیرونی - ربا توده‌های ستمدیده می‌باشد. کما ملا برخلاف ریزونیستهای کمونیستهای راستین باید به مبارزه توده‌ها کمک رسانند تا آنرا من مبارزه انقلاب کشیده شود. از نظر کمونیستها رژیم حاکم بهیچوجه ضد امپریالیست نبوده و تنها سیاست بیگبیری در مقابل رژیم حاکم ادامه و تشدید مبارزه طبقاتی و ملی است.

سازمان مجاهدین خلق مطرح می‌کنند که ما باید از جناحی از بورژوازی یعنی جناح بنی مدعوا مقابل حزب جمهوری اسلامی حمایت نمود. رهبری این سازمان بر اساس این سیاست کما ملا سازشکارانه و لیبرالیستی مبارزه علیه "لیبرالهای مرتجع" را متوقف ساخته و عملاً به با توهم توده‌های افزایش. بنظر ما تفاوتها می‌باشد که ما بین این دو جناح وجود دارد. همانطور که گفتیم فاقد ما هیئت مترقیانه نبوده و این نهادها بر ما سعی ارتجاعی قرار دارد. این دو جناح نریا به موفقیت تولیدی متعاقب خود و سیاستهای گوناگون خود را بگذر اختلاف دارند. لیکن این اختلاف بر سر مبارزه با عدم مبارزه علیه امپریالیسم نیست، بر سر حمایت با عدم حمایت از خلق نیست. این اختلاف بر سر چگونگی اداره نظام سرمایه داری و بسته چگونگی سرکوب انقلاب توده‌ها می‌باشد. این دو جناح هر دو دشمن انقلاب مردم اند. در دعوی بین دزدها جانب هیچیک را نباید گرفت.

گزارشی از مبارزات خونین صیادان زحمتکش «نوشهر»

صیادان زحمتکش می رزمند، ارتجاع می لرزد



۱۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش دربیدادگاه رژیم حضور داشته و زندانیان را مورد تشویق و حمایت خود قرار دادند. ارتجاع از این پشتیبانی مردم از انقلابیون بختن آمده و با ایجاد محدودیت‌هایی از ورود مردم به جلسه محاکمه جلوگیری نمود، تا آنجا که در روز دوم، حدود ۴۰۰ نفر در جلسه شرکت داشتند. بنا به همین خیر احتمال اعدام چند تن از زندانیان انقلابی، نیز وجود دارد اما تاکنون از نتیجه قطعی محاکمات اطلاعی در دست نیست.

بیروزیاد مبارزات زحمتکشان ایران

هدف این جنایتکاران، برپایی یک راهپیمایی ضد کمونیستی بود، اما فقط حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر به مسجد رفتند. بدنبال شکست این نقشه ارتجاعی، آنها به دهات اطراف چالوس رفته و حدود ۳۰۰ نفر از دهقانان تا آنگاه را به نوشهر آوردند. رهبری این عده را چند نفر از اهالی ده «سنوا» که از افراد نیروی پاسداری زمان شاه و از جفاقداران حرفه‌ای آن زمان میباشند، به عهده داشتند. این عده به همراه حدود ۳۰ نفر از ویش و قداره بندان نوشهری با آنجا یک راهپیمایی ارتجاعی برهبری عاملین جنایت تب گذشته، آنچنان فضای رعب و وحشتی در شهر ایجاد کردند که تقریباً شهر به حالت تعطیل درآمد. مزدوران و وایش رژیم، در حالیکه شعارهایی فرعبیه نیروهای انقلابی و مترقی سر داده بودند، حدود ۷۰ نفر از صیادان زحمتکش و جوانان انقلابی شهر را مورد وحشیانه ترس حملات و ضرب و شتم قرار دادند. طی این یورش ۴۵ نفر از صیادان مبارز و انقلابیون دستگیر شدند. شهر تا سه روز بعد، همچنان منتهج بود و قداره بندان مدافع رژیم، با ارباب و ارباب دوحشت همچنان در پی دستگیری انقلابیون بودند. چند روز بعد بفرمان ۱۲ نفر از دستگیرشدگان بقیه آنها آزاد شدند. آخربن خبری که از افراد زندانی رسیده حاکی از آن است که آنها را در چالوس و در جلساتی محاکمه میگرداند. توضیح اینکه برگزاری جلسه محاکمه، بصورت علنی، نخست فتنه‌آلودی زندانیان انقلابی بوده که بحواست رژیم جمهوری اسلامی. روز اول محاکمه حدود

ما هیگبران از جمله محرومترین زحمتکشان میهن ما هستند. این فتنه زحمتکش برای بدست آوردن لقمه نانی، خطر مرگبار طوفان و سیل راجان خریدند و با عنایت بر سر توها و قلابهای ما هیگبری، چشمه دریا می دوزند. با این امید که شبانگه با دستی پر، پیش رن و بچه‌های گرسنه خود با زگردند. دریا، تنها ممر درآمد صیادان زحمتکش است و ما هیگبری در آن حق مسلم آنهاست.

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت خود، با رها و بارها، زحمتکشان ما هیگبر را مورد حمله قرار داده است و کشتار صیادان زحمتکش بندر زلی، نمونه برجسته این سیاست سرکوبگرانه رژیم بود. اخیراً صیادان زحمتکش نوشهر نیز، به بهانه «صد بدون محور» مورد هجوم وحشیانه صیادان فرارگرفتند و با اینکار، رژیم جمهوری اسلامی، خاطر کشتار صیادان بندر زلی را برای جندمین با ریکرا کرد. گزارش زیر، حیران مبارزات صیادان زحمتکش نوشهر است:

عصر روز شنبه ۵۹/۳/۱۷ حدود ۱۵۰۰ نفر از ما هیگبران «نوشهر» تنها صدمه‌های مورد هجوم صیادان سرمایه فرارگرفتند. در اثر تیراندازی شدید صیادان، یکی از صیادان زحمتکش از ناحیه دست و یک موردا ما بست کلوله فرار گرفت، که بعلت وخامت حال وی، او را از نوشهر به تهران انتقال دادند. بدنبال این یورش وحشیانه، ما هیگبران با دلی مالا مال از نفرت به شهر رنج و به شدیدترین وجهی دست به تظاهرات زدند. آنها در حالیکه از بد ختم‌برافروخته بودند به ساختمان فرمانداری حمله کرده و تا بلو فرما ننداری و سینه‌های ساختمان را شکستند. ما هیگبران زحمتکش با دادن شعارهایی از قبیل «با صیادان مدخلقی اعدام ما بید کرد»، «الله اکبر»، «زحمتکشان بدانید صیاد ما تهدیدت» و «زحمتکش بیروز است، سرمایه دار تا نبود است»، نفرت عمیق خود را از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش ابراز می نمودند. در حین تظاهرات، آنها چند بار در مسجد جامع ده و از اما مجموعه شهر خواستند که فوراً عاملین این هجوم و تیراندازی وحشیانه را معرفی و در دستگیری این جنایتکاران اقدام نماید. اما، و با انواع حمله و وعده‌های در تفرقه اندازی بین صیادان زحمتکش دست ولی تمام صیادان محدوده، با دادن شعار «تفرقه و جدائی سلاح با صیادان است» توسطه‌های تفرقه افکنانه اما مجموعه ارتحشی نمودند، تهردار نوشهر نیز بیکیا رنشته و با سو استفاده از آشنائی با چند تن از صیادان، سنجوی میخواست آتش خشم ما هیگبران را فرو نشاند، اما هوشیاری آنها، نقشه‌های شهردار را نیز بی اثر کرد.

ساعت ۱۲ شب تن از صیادان داخل مسجد رفتند و از طریق بلندگو از مردم خواستند که برای اعتراض به جنایت با صیادان و برای حمایت از خواستهای بحی صیادان زحمتکش به آنها ملحق شوند. این تظاهرات تا ساعت ۱/۵ با مدا و بطول انجامید و با لآخره با ایجاد دعوائی مصنوعی از طرف عوامل سیا با صیادان که بین نظر هر کسندگان رخنه کرده بودند، پایان یافت. روز یکشنبه ۵۹/۳/۱۸، عاملین حوادث تب گذشته، برای توجیه جنایت خود با این بهانه که ضد انقلابیون!! به ما مجموعه توهین کرده‌اند، از مردم خواستند که مغازه‌های خود را بسته و در مسجد گرد آیند.

همه نشانها پیگیری یک مشی سیاست است، نشانه تزلزل طبقاتی یک نیرو می باشد. و با بدگفت ایمن مسائل نشانها واقعیت مشی حاکم بر زمان مجادیس خلق است.

کمونیستها و انقلابیون پیگیر به توهن توده‌ها دامن نمی زنند و توده‌هایی را که در حال کنده شدن از رژیم حاکمی با ستند را از جناحی دور و به جناح دیگر متمایل نمی سازند، آنان طبقه کارگر و سرتوده‌ها را از کل رژیم طبقاتی موجود دور می کنند، آنان می گویند تا تمام رسته‌هایی که افکار توده‌ها را با بخش‌های مختلف هیئت حاکمه پیوند می دهد، بطور قاطع قطع نمایند. کمونیستها با بدچهره فریبکارانه همه بخشهای بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه شریک در قدرت را بین مردم افشا کنند.

امروز واقعیت این است که بخصوص جناح لیبرالها مورد حمایت امپریالیستها و زحمتکش امپریالیسم آمریکا می باشند. «کنفرانس بررسی جنایات شاه» که به استکبارستی صدر برگزار شد، مورد حمایت مستقیم بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیسم - های اروپائی بود. این امر نمونه کوچک ولی با رزی از ما هیئت ارتجاعی باندبندی صدر است و میگذارد. حال آیا انقلابیون باید لیبرال نشائی بستی صدر را به پای «دموکرات» بودن او بگذارند و با به پای عوامفریبی این بخش از بورژوازی؟

بله کمونیستها با بد ما هیئت طبقاتی و سیاستها و عملکردهای همه بخش‌های بورژوازی را افشا کنند و در میان توده‌ها پیش از پیش ایده انقلاب را تبلیغ و ترویج نمایند. با بد ما هیئت کوشیدنا در شرا بلی که بقیه در صفحه ۱۳

بقیه از صفحه ۱۱ جنگ ...

حود را در مقابل حزب جمهوری اسلامی تثبیت کند و با حتی زمانی که منافعش ارباب کند و مثلاً به وحدت موعی با رقیب برسد و تا دش تخفیف یابد، آنگاه علیه همین سازبان مجادیس نیز به تفرقه دست می زند. ما حرای دکترایت اجازه دادنا در ابتدائی صدر بگوید بیع تقویت موع خود به گیری نماید، ولی بعداً بی صدر و حزب جمهوری اسلامی به توافقها شئی رسیدند. ما حرای آیت رایک امرفردی جلوه داده و بدنبال آن حتی لحن جناح بی صدر نسبت به سازمان مجادیس تغییر کرد.

البته این مسائل به معنای آن نیست که اختلافات در هیئت حاکمه برای همیشه تخفیف پیدا کرده است، خیر! این اختلافات با زهم آوج گیری خواهد کرد، ولی مسئله اصلی اینست که بورژوازی برای مقاصد خود آنگاه که ارباب کند به نیروهای منززل روی می آورد تا حود را تقویت کند و گاه دیگر به همین نیروهای منززل سیرلکد بربا ب میکند. این منظر طبقائی بورژوازی مکار و توطئه گر است. رهبری سازمان مجادیس به امتیازات جزئی و حقیر لائی ها چشم دوخته است و منافع انقلاب را بدست فراموشی سپرده است. رهبری سازمان بجای اتکا به توده‌ها و مجموعه ظرفیت‌های انقلابی آنان به سیاست سازش طبقائی روی آورده است. این سیاست نتیجه نا پیگیری طبقاتی رهبری سازمان مجادیس می باشد. عدم مبارزه قاطعانه علیه کل سیستم، مماشات با بخشی از هیئت حاکمه ضد خلقی، ضد امپریالیست نشان دادن رژیم کمونیستی، دو پهلوگفتن ها و عدم صراحت همه جا تبه در افشای ما هیئت ارتجاعی هیئت حاکمه و مجموعه سیاستهای آن ... همه

بقیه از صفحه ۳

گرامی...

درگیری چنان شد گرفت که عده‌ای از افراد زاندار - مری با دگان شیرکا به عنوان نیروی کمکی به کارخانه اعزام شدند.

ما موران پلیس وزاندار مری پس از بیرون کردن کارگران از کارخانه در آنرا بستند. اما زود خود در بیرون کارخانه میان کارگران و نیروهای انتظامی ادا می‌بافت. پلیس به روی کارگران و نیز مردمی که حمایت از کارگران در اطراف کارخانه اجتماع کرده بودند آتش گشود که طی آن چندین نفر زخمی و چهار نفر کشته شدند. از آنها محمود متانی است. شهادت رسیدند سراجا منیروهای انتظامی با پرتاب گاز اشک‌آور و تلنک گلوله مردم را متفرق و عده‌ای را دستگیر کردند. بدینال این واقعه دانشجویان دانشرای عالی و عده‌ای از دانش آموزان این شهر به نشانه همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی و نیز بعنوان اعتراض به آتش گشودن پلیس بروی مردم دست سزاهای زدند و بطرف ساختمان شهربانی راه پیمایی کردند. در خلال راه پیمایی با دیگر پلیس به صفوف نظامی هر کتندگسان حمله برد و عده‌ای را دستگیر نمود.

چند روز بعد کارخانه مجدداً شروع بکار کرد. "عالمزاده" بسیاری از کارگران را که در اعتصاب شرکت کرده بودند از کارخانه اخراج نمود. وی خنسی سالن غذا خوری و رختکن کارگران را برجید تا امکان هرگونه تماس کارگران با یکدیگر از بین برود.

تجربه خویشی اعتصاب کارگران مبارز نساجی به آن آموخت که دشمن طبقه کارگر تنها کارفرمای کارخانه نیست بلکه آن نظامی که از سرمایه داری دفاع می‌کند نیز دشمن اوست. آنها همچنین آموختند که نظام سرمایه داری برای حفظ و تأمین منافع سرمایه داران هر چه بیشتر خود را مسلح و مجهز می‌کنند تا بتواند با تشکلات خود مبارزات کارگران و زحمتکشان را خنثیانه سرکوب نماید.

اینکجه با طبقه کارگر خود را در برابر طبقه سرمایه دار می‌بیند و با توجه به اینکه این طبقه برای سرکوب کارگران دارای تشکلات مجهز می‌باشد، به لزوم داشتن یک تشکلات سیاسی پی ببرد، نگاهت بسیار مهمی است که با بدست آوردن انقلابیون کمونیست به آنها آموزش داده شود.

با ندهکجه طبقه کارگر ایران در به ثمر رسیدن کامل انقلاب دمکراتیک و خدا می‌بیرا لیستی بتوانند در میدان مبارزه بگذارند و مهر خود را بر پیتانی آن بکوبند و رهبری آنرا بدست بگیرند!

بیروزی با دمبارزات حق طلبانه کارگران!
درود بر همه شهدای طبقه کارگر!

غیرقابل توصیف است. رفیق از همان لحظه اول در زندان به دفاع از اندیشه و ولای خود پرداخت. از آرمان زحمتکشان و سازمانی که هوادارش بود (پیکار) دفاع نمود و هرگز در تمام مدت دو ماه با تمام فشارهای جسمانی و روحی که به رفیق وارد می‌آوردند سرخس نمی‌نمود و تا آخرین لحظه زندگیش به دفاع از آرمانش پرداخت و در هنگام اعدام همواره دور رفیق دیگرش در حالیکه خنده بلب‌لب داشت اجازت داده تا چشمایش را ببندند و با ایمانی وصفنا پذیر به استقبال شهادت در راه مبارزات زحمتکشان رفت.

یادش گرامی باد



عده‌ای از رندسان عسادی راه مبارزتی آگاه تبدیل نماید.

رفیق پس از آزادی از زندان در کنکور شرکت نمود و در رشته فیزیک دانشگاه هوا قبول شد. استعداد او در درس هم‌تا با توجه به دوره نرم با معدل بالا قبول شدند. بعقلت علاقه‌ای که به ریاضات داشت پس از کمال تغییر رشته داد و به رشته ریاضی رفت. کافسی استازکا در علمی دانشکده ریاضی در مورد مهندسی بر سرده خود تا خود آنها را استعداد دوسوع او در ریاضیات سخن بگوید.

پس از آنجا مهدی به همکاری با دانشجویان مبارز... پرداخت و در این راه فعالانه کوشا نمود. چهره همواره خندان او را همه رفقای سابق و آشنایان مدنی پس از دیدن "دانشجویان هوادار پیکار..." از "دانشجویان مبارز..." رفیق به تشکلات (دانشجویان هوادار) پیوست و فعالیت غیرقابل توصیف در پیشبرد کارهای سیاسی - تشکلاتی از خود نشان داد. او در جریان کمک‌رسانی به سیزده دگان جنوب یکی از فعالترین رفقا بود و با شور و شوق و وفای بی‌دردی در کمک‌رسانی به نوده‌های زحمتکش شرکت نمود. کافیت از روستایان اطراف اهواز (عرب‌عسای، جم‌فرج و...) در باره ویرسیم‌ها خود مردم که او را همان مهدی صدا می‌زدند در باره رفیق نظر دهند.

مهدی پس از جادنه‌سلسل در یکی از محلات اهواز (زیبون کارگری) به کار خود ادامه داد. در مدت کوتاهی که آنجا بود سوانست با نوده‌ها تماس بگیرد و با برخورد نوده‌های خود در دل آنها جا باز کند. او در محل دست به ایجاد یک کتابخانه برای بچه‌های محل زد که بیش از ۲۵۰ عنوان داشت و این با توجه به کوچکی محل بسیار تفصیلت و برخورد نوده‌ای وی می‌باشد. در جریان درگیریهای دانشگاه نیز رفیق یکی از فعالترین اعضای تشکلات بود و با عا به تبلیغ در محلات حول این مسئله پرداخت و در روز درگیری شجاعانه در مقابل حمله ارتجاع به دانشگاه با بیداری نمود و پیس از زخمی شدن بدست مزدوران سرمایه به همراه دیگر همزمانش دستگیر شد.

روحیه رفیق در زندان و برخورد وی به ارتجاع

بنیاد رفقا مهدی علوی شوشتری، دکتر اسما عیسی نریمیا و منوچهر جعفری انقلابیون کمونیستی که در سحرگاه روز جمعه ۵۹/۴/۶ بحکم به دادگاه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر فعالیت‌ها و به آنها مواهی شرکت در کشتار دانشگاه اهواز (که قربانیان و شهدای آن رفقا و همزمان خود آنها بودند)، بخوجه اعدام سپرده شدند!

در روشنای سرح سحرگاهان
رودی که با صفر

"آتش..."

خونین و

خمناک و

حروان جاری کت

ظهور بندد تشکی این فلات را

انکار کرده است

وفتی نو

با آخرین ستاره می رفتی

از خاوران خوشت

خورشیدی تکفت

(علی میرفتروین)

بقیه از صفحه ۴ زندگینامه...

تا به آنجا رسید. سرمایه رفقای همکلاسی او فداکاری و شور و مبارزاتی وی را در دبیرستان بخاطر یاد آرند. رفیق از آغاز مبارزه با منی جدا از نوده چریکی مرز - بندی داشت و گروهی که رفیق با آن آغاز به فعالیت تشکلاتی نمود معتقد به منی چریکی نبود مهدی در درون گروه دبیرشیرد کارهای تشکلاتی رفتی بسیار مؤثر داشت و با توجه به علاقه و استعدادی که در رابطه با مناسبت گیری با نوده‌ها داشت مرتب به محلات فقیرترین روستاهای اطراف شوشتر و کارگاه‌هایی که نگاه در آنها کار می‌کرد می‌رفت و به نما گیری با زحمتکشان می‌پرداخت و مارکسیسم را با مبارزات آنان می آمیخت او زمانیکه هنوز در دبیرستان مشغول تحصیل بود یکبار بحرم بخش اعلامیه دستگیر و بعقلت کمی سن بعد ۴۵ روزه در آلمانا دبیرستانه شد. پس از آزادی با زهم به کار مبارزاتی خود ادامه داد. گروهی که رفیق عضو آن بود ضمن کار خود برای و تماس با زحمتکشان، با وجود امکانات محدود و سهمیه کمی در تشکلات مبارز تشکلاتی داشت. رفیق در ادامه زندگی مبارزاتی اش با دیگر در سال ۵۳ - ۵۲ دستگیر و به یکسان زندان محکوم شد او این مدت را با روحیه ای مقاوم و آشنی با بدبسر گذراند و با کوله‌باری از تجربه از زندان آزاد شد و مبارزه در بیرون را علیه نظام سرمایه داری و استبداد شاهان ادامه داد. او با ردیگر در سال ۵۴ - ۵۳ دستگیر شد و زیر شکنجه‌های رژیم آریا مهری قرار گرفت. رژیم که می‌دید با چه مبارزان بزرگی روبروست اول قصد داشت او را اعدام کند ولی پس از تشکله فراوان در دادگاه اول و دوم به ۷ سال و در دادگاه تجدیدنظر به ۳/۵

سال زندان محکوم شد. او در سال ۵۶ از زندان آزاد شد و فعالانه در مبارزات عظیم نوده‌ای شرکت نمود.

خاطر از زندان او را با بنیاد رفقای هم سلول او شنید. رفیق در زندان با حفظ همان روحیه مبارزاتی که داشت سعی در ارتقاء تشویک رفقای هم بند خود می‌کرد. او در کارها و یکنار تلاش بسیاری در تماس گیری با زندانیان عادی (بخصوص عربها در زندان اهواز) می نمود و در این راه بسیار هم موفق بود، چه توانست

فشار روز افزون ارتجاع بر روی سازمان درخوزستان

از زمان حمله سراسری اخیر ارتجاع به کردستان و توطئه با صلاح انقلاب فرهنگی علیه دانشجویان و نیروهای سیاسی انقلابی، مردم آگاه ما درس‌سرا بران تا هدفنا روز افزون بر نیروهای کمونیست و دمکرات می‌باشند. این فشار را بخصوص نیروهای سازش‌ناپذیر - ی که در راه منافع زحمتکشان مبارزه میکنند بیشتر حس میکنند. فشارهایی که اکنون بخصوص درخوزستان بر روی سازمان ما اعمال میشود و توطئه‌هایی که علیه هواداران ما بکار برده میشود نمونه‌ای از آنهاست. ارتجاع که درخوزستان تا حد نفوذ روز افزون سازمان ما در بین توده‌ها است آنگاه اعلام کرده است که ما باید نخست با سازمان بیکار "مغفبه‌حساب" ما باشیم. در همین رابطه فرزندگان نثر به بیکار و هواداران سازمان دستگیر و مورد آزار روحی و جسمی قرار میگیرند. (۱) اعدا مرفیق شهید مهدی علوی نوشتری در آواز رویش از این اعدا مرفیق شهید احمد مو، دن شان میدهد که ارتجاع چگونه از کار آگاهانه‌های سیاسی و کارشناسی ما در بین توده‌ها هراسان است. هم‌اکنون جان عده‌ای از هواداران ما که بعلل جزئی دستگیر شده‌اند در خطر قرار دارد. ما نظر تمامی نیروهای انقلابی و مترقی را نسبت به این مسئله جلب نموده و خواهان افشای گسترده فشار آراگانه‌های مرتجع محلی بر روی نیروهای انقلابی بخصوص سازمان می‌باشیم. ■

(۲) - اخیراً سپاه پاسداران مسجد سلیمان با انتشار اعلامیه‌ای سازمان ما را مورد بدترین دشنامهای کینه‌توزانه خود قرار داده و آنگاه تهدید کرده است که چنین وچنان خواهد کرد.

مدارك و اسناد مربوط به تقی شهرام، موجود در آرشیو ساواک را منتشر کنید

یکسال از زندان مجرد تقی شهرام میگذرد. این مبارز زبیبی گمردر طی این مدت نه تنها بدترین فشارها - ی روحی و جسمی را متحمل شده است، بلکه مورد بدترین تبلیغات سو، وزشت‌ترین اتهامات و ناسزاها قرار گرفته است. بلندگوهای علیی و مخفی حزب فاشیت‌گرای جمهوری اسلامی همه و هرگونه افتراسی را نسبت به این فرزند خلق انا عه داده‌اند. در حالیکه نه تنها شهرام مکان نداشته است کلمه‌ای از خود دفاع کند، بلکه ما هم و ما هم ممنوع‌العلاقا بوده است و امروز نیز که بر طبق اظهارات مقامات مربوط به دادستانی و دادگاه‌های انقلاب در آستانه سرهم بندی نمایشات مفصل و مغرزانه و سزا سرتحریف دادگاه قرار دارد همچنان از حق دفاع از خود در مقابل تمام ناپایمانی‌ها مات کتیف و مغرمانه محروم است. ما از مقامات بقیه در صفحه ۱۵

از حزب جمهوری اسلامی بپرسید:

"کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" یعنی چه؟

- ۱ - کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب سیاسی، شاخه تبریز - رضاشه
 - ۲ - سپاه پاسداران تبریز - رضاشه
 - ۳ - حزب جمهوری اسلامی تبریز - رضاشه
- گزارش عیناً در ساعت ۲ با مداخله ۵۹/۲/۱۱ کمیته ابلاغ گردید

امضا: حبیبی
اجراء کننده دستور مقام محترم کمیته، سرهنگ بیاده: ۰۴ غ

امضا: ۵۹/۲/۱۱
براستی اگر این آقایان از زندانیان و نیروهای انقلابی و کمونیست و نرئزل موقعیت خود نمی‌ترسند، اگر به "ایدئولوژی و سیاستهای" خود اعتماد دارند، چرا با "سازمانها و احزاب سیاسی" انقلابی آنها هم‌بسته‌های پلیسی و مسلحانه مبارزه می‌کنند؟
جواب از حزب جمهوری اسلامی - که دکترین آن فقط یکی از توطئه‌گران است - باید دهد. ■

توقیف روزنامه ندای آزادی را محکوم میکنیم

سپس اگر کمالات کوروزنامه ندای آزادی از طرف "دادستان انقلاب اسلامی" توقیف شده و یکی از کارکنان آن سبزیزدان افتاده است.

یورش به آزادیهای سیاسی، اجتماعی سیاست عمومی رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست. سردمداران این رژیم بیواسطه و چینی که از آگاه مردم زحمتکش دارند، تمام امکانات خود را بکار گرفته‌اند. ناخوانه - های آگاه را شکنجاند. آنها گذشته از فعالیت روشنگرانه نیروهای انقلابی، حتی از انعکاس وقایع و رویدادهای جامعه ما سیریم‌دارند. ندای توکل به سیاست‌چای و سرکوب وضع فوایس ارتجاع علی، مطبوعات انقلابی و مترقی و آزاد را مورد سبها حم‌فرا ر داده‌وا را نسبتاً ر آنها جلوگیری میکنند. روزنامه "ندای آزادی" که یک‌کسب "محور فانونی" از "وزارت ارشاد ملی" مجدداً انتشار یافت پس از چهارمین شماره خود به سبها نه‌جای یک محاسبه "از طرف کمیته‌جی‌ها" توقیف شد. اکنون علیرغم اظهارات وزارت ارشاد ملی منشی بریلان مع بودن انتشار این روزنامه، "ندای آزادی" همچنان توقیف است این امر نشان میدهد که رژیم‌های ارتجاعی نظیر رژیم‌ها کم‌برایان، هرچاکه منافع خود را در خطر می‌بینند، حتی فوایس را که خود برای حفظ نظام استثنای حاکم وضع کرده‌اند نیز با می‌گذارند. انسان غافل از آنست که با چنین روش‌های سرکوبگرانه نمی‌توان از بارور شدن شکوفه‌های آگاهی خلقی میهن ما جلوگیری نمود و علیرغم چاق و سرکوب رژیم و اوضاع جامعه ما، از چشم مردم هوشیار پوشیده نخواهد ماند. ما توقیف روزنامه "ندای آزادی" و دستگیری یکی از کارکنان آن را شدیداً محکوم میکنیم و انتشار مجدد آن را خواستیم. ■

حزب جمهوری اسلامی، که رکورد "افتخارات بزرگ" را طی همین مدت کوتاه ترکنازی خود، شکسته و علاوه بر توطئه‌های بزرگ، افتخار بزرگ (نوار آبت) را نیز به آرا آورده است، افتخارات دیگری هم دارد که یکی از آنها تاسیس کمیته‌ای نام "کمیته مبارزه با احزاب سیاسی" است. آنها قبل از پیام، مردم را می‌فریبند که در حکومت اسلامی احزاب و سازمانها و عقاید دارند. در همین "فانون اساسی" تان هم از آزادی احزاب و اجتماعات و عقاید سخن گفتند. اما عملاً دشمنی خود را با هرگونه آزادی که بنفع توده‌ها و زحمتکشان باشد، نشان دادند. آنها فقط خودشان را آزادمی دانند که هر چه می‌خواهد بکنند:

- دانستکه هر اناحت عنوان "انقلاب فرهنگی" مورد هجوم قرار داده، آنرا تعطیل نمایند.
- مؤسسات مطبوعاتی متعلق به خلق را اشغال و تصرف کنند و هر روز ورق باره‌های سرترازمومومات، موضعگیری‌های ارتجاعی، افترا و فحش به نیروهای مترقی و انقلابی را بسن مردم بچش کنند.
- خلق کرد را زیر عنوان مبارزه با کفر زیر میسازان، کشتار نمایند.
- کارگران مبارز را از کارخانه‌ها اخراج کنند و سه کلوله بسندند.
- معلمان و استادان و کارمندان انقلابی و طرفدار زحمتکشان را از کار سرکنار نمایند.
- صدها انقلابی و کمونیست را به زندان باندازند و حتی شکنجه کنند.
- با چاقی به اجتماعات هجوم بزنند و را دونولویزیون را بوی نوجبه حملات وحشانه خود بسند.

و
سندی که بدست ما رسیده برده از یکی دیگر از اقدامات ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی بر میآورد.

مورخ ۵۹/۲/۱۱
"کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی"
به کمیته‌های وابسته به کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی تبریز - رضاشه شماره رمز: ۱۷۴ شماره گزارش ۲/۱۰۲

مقام محترم کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب محترماً بفرم می‌رساند بدینا دستور مقام محترم کمیته مرکز، جلوگیری از ورود نثر به و اعلامیه بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگردن تاریخ ۵۹/۲/۱۲ به وسیله عده‌ای دانشجوی بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگر میهد مشمول مبارزه با سازمانهای سیاسی. ناچه تبریز - رضاشه و کمیته حزب جمهوری اسلامی می‌باشد. چنانچه در شرایطی به افراد مطلع بیشتر احتیاج شد، حزب جمهوری، مشمول ادغام کردن سپاه پاسداران منطقه تبریز، در سایر گروه‌های سیاسی می‌باشد.

گزارش به اطلاع مقامات مسئول ابلاغ میگردد.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست